

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۵۵، چهارشنبه ۱ بهمن ۱۳۹۳ (۲۱ ژانویه ۲۰۱۵)

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

* یادمان چهل و چهارمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

سیاهکل - پریناز پرتو.....ص ۲

تفرقه افکنی با شعار وحدت - مهدی سامع.....ص ۳

در پس عبارت پردازیهای روحانی راهکاری هم وجود دارد؟ - منصور امان.....ص ۴

اثرات اقتصاد ولایی بر مزدبگیران - زینت میرهاشمی.....ص ۷

احتمال پیروزی ائتلاف چپ و رادیکال در انتخابات یونان - لیلا جدیدی.....ص ۹

خصوصی سازی متکی بر رانت، تحکیم استبداد (۱۰) - شهره صابری.....ص ۱۳

قاتلان مزدور - یونگه ولت / آر پی آن لاین - برگردان و تنظیم: بابک.....ص ۱۴

اینجا نفس نیست... - حامی پرهام.....ص ۱۹

نوشتن جام سلامت - امید برهانی ۲۱

زنان در مسیر رهایی - سپیده سرشار.....ص ۲۵

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در دی ماه - زینت میرهاشمی.....ص ۲۹

اخبار کارورزان سلامت - امید برهانی.....ص ۳۶

رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی.....ص ۳۹

”سرودها، ستاره‌ها“ (۱)/بیاد: زهرا کاظمی - م . وحیدی.....ص ۴۶

در سوگ مبارزی فرهیخته، هوشنگ عیسی بیگلو - مهدی سامع.....ص ۴۷

حمله ی تروریستی به دفتر مجله ی "شارلی ابدو" محکوم است.....ص ۴۸

مجاهد خلق مهین افضلی، شهید محاصره ضدانسانی پزشکی در لیبرتی.....ص ۴۸

شهادت فدایی در بهمن ماه.....ص ۴۸

انتشارات تصویری سازمان.....ص ۴۹

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد آزادی»

چهل و چهارمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کند

کلن - آلمان

شنبه ۷ فوریه ۲۰۱۵ برابر با ۱۸ بهمن ۱۳۹۳

که هستیم و چه می گوئیم؟

پاسخ به چند سوال

سخنران: لیلا جدیدی

تربیبون آزاد و برنامه هنری

از ساعت ۴ بعد از ظهر تا ۸ شب

مکان: کلن - آلمان

Bürgerhaus Zollstock

Rosenzweigweg 3

Köln 50969

Germany

سیاهکل

یک، دو، سه و...

صدمین بار نوشتم

هزار و سیصد و چهل و سیاهکل

و باز نوشتم هزار و سیصد و نود و سه

و دگر بار نوشتم هزار و سیصد و پنجاه و انقلاب

میدانی!

هیچ قطار سریع السیری مرا به سیاهکل نمی رساند

به جز تو

هیچ هواپیمایی مقصدش سیاهکل نیست

به جز تو

دستهایم را به آفتابکاران پیشکش می کنم

آهای رفیق خودت را به من بسپار

باقی راه با من تا سیاهکل

پریناز پرتو، لندن



تفرقه افکنی با شعار وحدت

مهدی سامع

در ماه گذشته یکی از نهادهای تبلیغاتی ولایت خامنه ای که نقش پشتیبان برای اقدامات تروریستی و مداخله گرانه رژیم بازی می کند، اقدام به برگزاری کنفرانس «وحدت اسلامی» کرد. نهاد مزبور با نام «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در عصر روز جمعه ۱۹ دی گزارشی کوتاه از این کنفرانس که طی روزهای ۱۷ تا ۱۹ در تهران برگزار شد، منتشر کرد. بر طبق این گزارش در این کنفرانس که موضوع آن «امت واحد اسلامی، چالشها و راه کارها» بود و حسن روحانی آن را افتتاح کرد، «صدها تن از شخصیت‌های دین و نخبگان علمی» از ایران و سایر کشورهای جهان در آن شرکت کرده و شرکت کنندگان «توفیق دیدار با مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه ای را یافته و به فرمایشات ارشادی» او گوش کردند. به نظر می رسد کاربرد مفید و سودآور کلمه «امام» برای خامنه ای فقط در چنین مجامعی میسر است. زیرا اگر از چنین کنفرانسهایی وحدتی حاصل نمی شود و حتی شرکت کنندگان سنی مذهب در این کنفرانس نماز جماعت جداگانه خواندند، خامنه ای می تواند تعدادی از نخبگان سنی و شیعه غیر ایرانی که چندان هم مقام و موقعیت قابل محاسبه ای ندارند را به هیزم تنور تفرقه افکنی خود تبدیل کند.

حرفهای خامنه ای در روز جمعه ۱۹ دی برای شرکت کنندگان در این کنفرانس، گوشه ای از اقدامات منافقانه او را برملا می کند. خامنه ای گفت: «تجلیل از رسول ختمی مرتبت نباید به حرف و سخن محدود شود بلکه تلاش برای تحقق پیامهای وحدت بخش آن حضرت، باید مهمترین اولویت کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان باشد.» خامنه ای برای این که خود را فقط به «حرف و سخن» محدود نکند و سرعت عمل در اجرای «وحدت» را نشان دهد، یک هفته بعد از این سخنان «ارشادی» دستور داد تا نمازخانه مرکزی سنیها در منطقه پونک در تهران در روز شنبه ۲۷ دی، مَهر و موم شود.

در ولایت خامنه ای، برای حفظ «وحدت اسلامی»، سنیهای ساکن تهران سالهاست که از داشتن مسجد محروم شده و دقیقاً در همان روزی که مقام معظم در حضور چند صد تن شعار وحدت می داد، از برگزاری نماز اهل سنت به امامت مولانا عبدالحمید، از علمای سرشناس اهل سنت، در سالن پونک جلوگیری شد.

خامنه ای از «موفقیت طرحهای تفرقه انگیز دشمنان اسلام» ایراز تاسف کرد و به آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (قاطع در مقابل کفار و مهربان در میان خود) استناد کرد و خواستار آن شد که «در مقابل استکبار و سرطان مهلک صهیونیسم جهانی و در رأس آنها آمریکا و دولت غاصب اسرائیل بایستیم و در میان خود، مهربان و همراه و همدل باشیم.» این استناد اوج عوامفریبی و دورویی خامنه ای را برملا می کند. این حرف را کسی می زند که در ولایت اش بیشترین ستم و تبعیض بر مذاهب مختلف به طور عام و بر سنیها به طور خاص اعمال شده است.

در جمهوری اسلامی بخش زیادی از کسانی که سرکوب شده اند، کسانی بوده اند که به اسلام اعتقاد داشتند. آنها همراه با بی دینان، بهایان، درآویش و... از هیچ حق و حقوقی در بیدادگاههای حکومت برخوردار نبودند. آنها را کافر، مُلحد، مُحارب، مُفسد و... نامیدند و به کشتارگاه فرستادند. از نگاه خامنه ای اینها «مسلمان» نبودند که با آنان «مهربان» باشد. اما معلوم نیست حرف حساب خامنه ای در مورد زهرا رهنورد، میرحسین موسوی و مهدی کروبی چیست که حتی برای آنان یک بیدادگاه فرمایشی هم برگزار نکرده و چندین سال آنان را در حبس خانگی نگهداشته است. از همه اینها که بگذریم، چرا سنیها نمی توانند در تهران که ایادی خامنه ای آن را «ام القرای جهان اسلام» و در حقیقت «قلب و مغز تروریسم و بنیادگرایی» است، یک مسجد داشته باشند. آیا میلیون‌ها ایرانی اهل سنت در ایران هم باید شامل «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» شوند.

بازهم همه اینها را نادیده بگیریم و قبول کنیم که ولی فقیه به دنبال تفرقه افکنی نیست، در مورد سرکوب و کشتار روزانه سنیها در عراق به دست شبه نظامیان وابسته به سپاه قدس چه باید گفت؟ از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ تا امروز و به ویژه در ۹ سال گذشته یک قتل عام روزمره توسط چند گروه از شبه نظامیان وابسته به ولایت خامنه ای انجام می شود. جنگ

بین شیعه و سنی را سپاه قدس هدایت کرده و می‌کند. مهم‌ترین شخصیت‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی اهل سنت عراق بارها این موضوع را افشا کرده‌اند. آیا این اقدامات سرکوبگرانه و همزمان ادعاهای وحدت طلبانه نشان دهنده یک خط مشی منافقانه نیست؟

و بالاخره خامنه‌ای در سخنان خود اعلام می‌کند که بر «مبنای آیات صریح قرآن، اسلام، پلورالیسم را قبول ندارد». اظهار نظر در مورد این که اسلام و قرآن پلورالیسم را قبول دارد یا ندارد در حد این یادداشت و آگاهی‌های من نیست. اما واقعیت وجود فرقه‌های مختلف اسلامی در مقابل چشم همه هست. انکار این دسته بندی‌های مختلف یک نظر و عمل مذهبی نبوده بلکه یک خط مشی سیاسی است. سیاست راهبردی و کاربردی رژیم ولایت فقیه بر نفی و سرکوب دیگر فرقه‌های اسلامی به خصوص اهل سنت است. این البته به این معنی نیست که خامنه‌ای با شیعیان به مهربانی برخورد می‌کند. برای او امنیت ولایت اش اساسی است و اگر به جنگ مذهبی و فرقه‌ای دامن می‌زند به منظور این است که جدال بین ارتجاع و ترقی را منحرف کند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

در پس عبارت پردازی‌های روحانی راهکاری هم وجود دارد؟

منصور امان

نزدیک به دو سال پس از ناگزیری آیت الله خامنه‌ای و همدستانش به تن دادن به "نرمش قهرمانانه"، به خوبی می‌توان افزایش پلکانی آثار سیاسی آن بر دستگاه قدرت را به چشم دید. جناح میانه حکومت در تنگنای ناشی از فشار باند ولایت، به سمت حمله به پایه‌های قدرت آن و نیز از رسمیت انداختن خط قرمزهای بازدارنده اش در پهنه سیاست خارجی گرایش یافته است. پرسش کلیدی اکنون این است؛ آیا کشانده شدن درگیری به حساس‌ترین کانونهای ثبات "نظام" و تبدیل آنها به موضوع علنی چالشی که به گونه انحصاری بر فراز تریبون‌ها و در سطح گفتار و مشاجره حمل می‌شود، می‌تواند پیش درآمد گذار حملات لفظی به برنامه و راه‌حلهای عملی باشد؟ به بیان دیگر، آیا آقای روحانی برای تغییر آنچه که از آن شکایت می‌کند، طرحی هم در دست دارد و مهم‌تر از آن، از اراده عملی ساختن اش برخوردار است؟

حملات

هنگامی که پایوران ارشد حکومت از "فساد سیستمی" سخن می‌گویند، شگفت آور نیست که مسیر به جریان افتادن درگیری‌های خرد و کلان در دستگاه قدرت نیز از معبر مبارزه با فساد گذر کند. رویدادهای ماه گذشته (دی) نشانگر آن است که حجت الاسلام روحانی نیز به گونه فزاینده‌ای به سمت به کارگیری این سلاح آزموده شده علیه رقبایش گرایش می‌یابد. شدت گیری حملات وی از این زاویه که با صراحت یافتن لحن همراه بوده است، به ویژه پس از بی نتیجه ماندن مذاکرات هسته‌ای وین و آغاز شمارش باژگون مهلت جدید برای دستیابی به "توافق جامع"، فشرده تر شده است. او در ۱۷ آذر، در یک همایش دولتی که زیر تابلوی "سلامت اداری و مبارزه با فساد" ترتیب داده شده بود، انحصار قدرت توسط باند رقیب را به باد انتقاد گرفت و آن را سرچشمه فساد دانست. آقای روحانی برای تشریح منظور خود وارد جزئیات شد و گفت: "اگر اطلاعات، تفنگ، پول، سرمایه، سایت، روزنامه و خبرگزاری را همه یکجا جمع کنیم، ابوذر و سلمان هم فاسد می‌شوند."

ویژگی‌های فاسد کننده‌ای که او بدانها اشاره کرده، جملگی در سپاه پاسداران، بازوی قدرت آقای خامنه‌ای "جمع" شده است. از این نظر، رییس قوه مجریه نیازی به توضیح بیشتر در مورد مصداق سخنانش نداشت و نه فقط مخاطبان اصلی، بلکه بخش گسترده‌ای از جامعه نیز نشانی اشاره‌های او را دریافت کرد.

یک ماه بعد، در میانه دی ماه، حُجّت الاسلام روحانی منزّه طلبانه، "سلمان و ابوذر" را دوباره به پیش فرستاد تا در باره فساد ناشی از "انحصار در اقتصاد" هشدار دهد و تاکید کند: "اقتصاد در کشور با انحصار پیشرفت نمی کند و اگر موضوعی مُنحصَر در دست گروه خاصی باشد، فساد ایجاد می شود حتی اگر سلمان و ابوذر باشد. اقتصاد باید از رانت نجات پیدا کند."

او سپس کارت "اقتصاد مُقاومتی" که باند رقیب علیه "دیپلماسی لبخند" جناح میانه بازی می کند را علیه خود آنها به کار گرفت و خواستار پرداخت مالیات زیرمجموعه های اقتصادی آقای خامنه ای و شرکای پاسدارش شد. آقای روحانی ابتدا شکایت کرد "می شود یک نهاد کار اقتصادی بکند و مالیات ندهد؟ اما تا می گوئیم فلان نهاد باید مالیات بدهد، بساطی درست می شود" تا آنگاه تهدید کند: "اما این دولت هر موضوعی که بداند مصالح مردم است بدون واهمه از هیچکس و نهادهای موضوع را به مردم خواهد گفت و لایحه لازم را به مجلس تقدیم خواهد کرد."

در ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی، امتیاز نپرداختن مالیات فقط به لایه مُمتازی تعلق گرفته که قُدرت سیاسی و ابزار اعمال قهر و به کُرسی نشاندن آن را در انحصار خود دارد. از این رو یافتن آدرس و نشانی موسسه های مالی و اقتصادی که از این امتیاز بهره مند هستند، چندان دشوار نیست. کارتل اقتصادی آقای خامنه ای به نام "ستاد اجرایی فرمان امام" و کارتل سپاه پاسداران به نام "قرارگاه خاتم الانبیا"، به لحاظ حجم گردش پولی، در صدر این لیست قرار دارند. پس از آن، مراکز بزرگ مالی و اقتصادی مانند صندوقهای قرض الحسنه، بُنیاد تعاون سپاه پاسداران، بُنیاد تعاون نیروی انتظامی و شرکتهای تجاری وابسته به وزارتخانه های دفاع و اطلاعات قرار دارند.

تبدیل به اُردک چُلاق ظرف دوسال

حمله های فزاینده آقای روحانی به باند رقیب که با کنایه گویی و ایما و اشاره های تفسیر پذیر همراه است، نشانه روشنی از نأمیدی او از به سازش رسیدن با رُقبایش است.

راهکار آقای روحانی برای پیش بردن سیاست "تدبیر و اُمید" بر مبنای میانجیگری و توافق در "بالا" نه تنها به نتایج مطلوب مُنتهی نگردیده، بلکه گام به گام او را به گوشه حاشیه ای قُدرت و تنگنای سیاسی رانده است. جناح میانه حکومت تلاش کرده با تفکیک سیاست داخلی از بُحران خارجی، آقای خامنه ای و شرکایش را به وحشت نیفکند تا در مُقابل برای پیشبرد پروژه "دیپلماسی لبخند" با طرفهای خارجی رژیم دست باز داشته باشد. اما تنها دستاورد عینی سیاست مزبور در حوزه قُدرت، برهم زدن توازن دوره "نرمش قهرمانانه" بوده است و آنهم به گونه ای که دولت آقای روحانی را تنها دوسال پس از به دست گرفتن سُکان اداره امور، به اُردک چُلاق تبدیل کرده است. او در حالی که نتوانسته به مُهمترین وعده های انتخاباتی خود پیرامون "پایان دادن به فضای امنیتی" عمل کند، به شتاب در حال از دست دادن پُشتیبانی بدنه توده ای "اصلاح طلبان" و لایه های اجتماعی اُمیدوار شده به تغییر در این جهت است.

در میدان بازی سیاست "نظام" نیز "دولت اعتدال" به گونه پیوسته در حال عقب نشینی است. وزارتخانه های آن صحنه تاخت و تاز مُهره های باند رقیب گردیده است و در این میان آقای روحانی بدون پرداخت باج و خراج هنگفت، حتی قادر به نشاندن فرد مورد اعتماد خود بر صندلی وزارت علوم یا معاونت وزارتخانه ها نیست.

بدتر از همه آنکه در پهنه اقتصادی، جایی که آقای روحانی گمان می برد به دلیل موفقیت فرضی در کاهش بُحران خارجی خواهد توانست بیشترین امتیاز را از آن کسب کند، شرایط فقط به سوی وخیم تر شدن تحول یافته است. در این شرایط برای رییس دولت و کارمندانش جُز فرار به دامن تبلیغات و آمار سازی چاره ای نمانده است. آنها هر روز از درصد بیشتری از کم شدن تورم و سُبک شدن بار هزینه زندگی مردم خبر می دهند و همزمان سخت کوشانه در حال گران کردن نان، آب، برق، حمل و نقل و یا تجاری سازی خدمات دولتی مانند آموزش و بهداشت هستند.

موقعیت لرزان دولت آقای روحانی در داخل، پروژه خارجی آن را نیز با خطر روبرو می سازد. شکست در رسیدن به "توافق جامع" با طرفهای خارجی و تمدید مذاکرات و تحریمها، فقط یک نمود آن است. آقای خامنه ای و شرکایش اگر چه به عقب نشینی هسته ای تن داده اند، همزمان اما به هیچ رو مایل به از دست دادن دستاویز آمریکا ستیزی و دشمن سازی

نیستند. آنها در پی توافق موردی و نه فراگیر هستند تا شر تحریمهای فلج کننده را از سر بارگاه قدرت خویش کم کرده و تهدید بحران هسته ای به مثابه فاکتوری در تضعیف هژمونی داخلی را برطرف سازند. به این ترتیب، حتی اگر در دنیای زمینی توهمی اینگونه آسمانی به واقعیت بپیوندد نیز دستاوردهای سیاسی آن یکسره به کیسه باند ولایت سرازیر خواهد شد و جناح میانه حکومت از آن جز مدال طلایی ابلهان سودمند نصیبی نخواهد برد.

ژستهای دوگانه

در این راستا، حمله های لفظی آقای روحانی به سپاه پاسداران و "فساد" و "انحصار"، گامی در جهت دُرُست برای بیرون کشیدن خود از تنگنا می تواند به شمار بیاید. او آشکارا به این وسیله در پی تولید فشار و امتیازگیری است و با این حال، از سطح معینی از فشار نیز نمی تواند فراتر رود. این امر می تواند ناهمگونی آشکار بین پافشاری وی بر حذف رانتهای دولتی سپاه پاسداران و پایان دادن به انحصار از یک سو و افزایش چشمگیر سهم نهاد نظامی و امنیتی در بودجه و - به تازگی - گشودن دست آن به روی معادن کشور از سوی دیگر را توضیح دهد.

از این رو در اینجا هنوز سُخنی از چرخش جناح میانه حکومت از راهکار "چانه زنی در بالا" به سوی "فشار از پایین" نمی تواند در میان باشد؛ بسا بیشتر موضوع آن است که این جناح به گونه فرصت طلبانه در پی توازن بخشیدن به تکیه یکجانبه به لطف و نوازش "بالا" برآمده است، بدون آنکه برای "پایین" در کشاکش بر سر قدرت جایی باز کرده و منافع آن را به رسمیت بشناسد. به همین سبب نیز تاکتیکهای آن برای تولید فشار از منبع اجتماعی، در تیوری سطحی و در عمل ناکارا از آب در می آید. آقای روحانی برای جبران ناتوانی در جنگ با رقبایش، رو به جامعه می آورد، همچون قماربازی که برای جلوگیری از باخت به رقیب مُتقلب، نه بازی بلکه کارتهایش را عوض می کند.

اشاره گنگ و همراه با لکنت زبان او به "همه پُرسی"، تنگنای فلج کننده ای که رویکرد مزبور در سیاست عملی به جا گذاشته را آشکار ساخته است. تردیدی نیست که این پیشنهاد پوپولیستی فقط برای دادن هشدار به رُقا طرح گردیده است. این در حالی است که هم باند رقیب و هم خود آقای روحانی به خوبی می دانند که نه به طور قانونی و نه بر حسب توازن نیرو، امکان عملی ساختن این سُخن وجود ندارد. بنابراین، رییس قوه مجریه به اهرم "فشار از پایین" حتی نزدیک نیز نشده است. او با قانون اساسی ولایت فقیه، باند ولی فقیه را تهدید می کند و به این وسیله فقط نشان می دهد که بدون "ولایت" راه حلی ندارد، در حالی که "ولایت" بدون او راه حل خود را دارد.

زاویه دیگری که پیشنهاد "همه پُرسی" به تماشا گذاشته، خالی بودن دست جناح میانه حکومت در میدان رقابت و ناچار دیدن خویش به بازی با قواعد حریف است. این ژست، مُستقل از کارکرد عوامفریبانه اش، نقش سوراخ فراری از رویارویی واقعی با جناح حاکم و به چالش گرفتن جدی آن را ایفا می کند. جناح میانه اگر به گونه واقعی در پی راندن باند رقیب به عقب بود، به جای عبارت پردازی بی محتوا پیرامون "همه پُرسی"، عملی ترین راه موجود در چارچوب قواعد بازی، یعنی حرکت به سمت تصرف مجلس و تلاش برای برچیدن شرایط ناعادلانه رقابت که به طور رسمی بیش از همه در نظارت استصوابی شورای نگهبان و کارکرد ستاد انتخابات وزارت کشور نمود می یابد را در دستور کار می گذاشت.

برآمد

حُجت الاسلام حسن روحانی در کشاکش درون دستگاه قدرت پروژه جدیدی را نمایندگی نمی کند و به همین سبب نیز در پس تهاجم او به سپاه پاسداران یا تهدید به "همه پُرسی"، راهکاری نیز به کمین ننشسته است. او به جای ایده، عبارت تحویل می دهد و حتی مُبتکر آنها هم نیست، اولین بار آقای محمود احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری بود که برای تقویت موضع زیر ضرب خویش، داستان "برادران قاچاقچی" را روی صحنه برد و همو بود که با هدف باج گیری از مجلس، پیشنهاد فراندوم را طرح کرد. این میراث خواری، تعلق "دولت اعتدال" به دوران گذشته و نه نوین را نیز نمادینه می کند.

اثرات اقتصاد ولایی بر مزدبگیران

زینت میرهاشمی

دولت «تدبیر و امید» با سپری کردن بیش از نیمی از عمر خود نه تنها نتوانست سقفی بر اقتصاد ویرانه ایران بگذارد بلکه آن را مُشَبَّک تر کرد. جدال باندهای حکومتی فعال در افشا دزدیهای همدیگر بخشی از تحولات اقتصادی ایران را به نمایش می گذارد. البته این افشاگریها به میزانی صورت می گیرد که اولاً چارچوب نظام انگلی ولایت فقیه بر هم نخورد و



دوماً رعایت حال همدیگر به عنوان سرنشینان کشتی ورشکسته حکومت در نظر گرفته شود. بر همین منظر برآمد بگم بگمهای احمدی نژاد، سخن پراکنیهای بی نام و نشان روحانی و وعده های پایوران دولت روحانی برای از بین بردن فساد اقتصادی است که دستاوردی تا کنون نداشته و به یقین نخواهد داشت.

تنومند شدن بخش واردات و ضعیف تر شدن تولید داخلی یکی از نتایج فساد حکومتی است. صادرات و واردات نامتعارف در اقتصاد ایران از جمله اثرات وجود اقتصاد شبه دولتی، اقتصاد رانتی، فعالیت آفازاده ها و به

دست گیری شریانهای مهم اقتصادی توسط سپاه پاسداران و بسیج است. برپا کردن برجهای بلند و لوکس، ساختن آپارتمانهای لوکس با سونا و استخر در آن و همزمان نابودی واحدهای صنعتی، فعال بودن تنها یک سوم واحدهای تولیدی و بحرانی بودن بیش از دو سوم واحدهای تولید مشغول به کار را نمی توان از موارد پیشرفت اقتصاد یا بهره وری مناسب به حساب آورد.

پروژه اتمی که تا کنون میلیاردها دلار برای آن هزینه شده است نه تنها اثری بر بهبود وضعیت مردم نگذاشته بلکه حتا کمکی به موارد پیشرفت وسایل پزشکی در ایران که رژیم مدعی استفاده از انرژی هسته ای در رابطه با بخش پزشکی است، نشده است.

روز شنبه ۱۳ دی، رئیس اتاق بازرگانی در رابطه با توانایی صادرات گفت: «در صادرات عددی نیستیم.» (ایسنا). وی سهم ایران در مبادلات ۴۵ هزار میلیارد دلار جهان را فقط ۰/۴۵ درصد دانست که ۸۵ درصد از این مقدار به درآمدهای نفتی مربوط می شود.

تسخیر بازار ایران توسط کالاهای چینی آنها هم از نوع بنجل آن، نابودی نساجی و واحدهای تولیدی قطعات یدکی و لوازم خانگی را به همراه دارد.

بر اساس آمار دولتی، (مُنْدَرَج در تارنمای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران)، واردات ایران در سال ۱۳۹۲ از دو کشور که در صدر جدول قرار دارند، شامل ۱۱ میلیارد و ۲۳۱ میلیون دلار از امارات متحده عربی و ۹ میلیارد و ۶۴۹ میلیون دلار از چین است.

ورود کالاهای قاچاق از طریق باندهای قاچاق کالا که بسیار پر رونق است چند ده میلیارد دلار به این رقمها خواهد افزود.

برای نمونه به واردات شکر توجه کنیم. بر اساس گزارش اتاق بازرگانی اول بهمن ۹۳، «بخشی از بدنه دولت معتقد به ممنوعیت واردات در پی اشیاع بازار است و بخشی دیگر همچنان در حال صدور مجوز برای ادامه روند واردات است.» بر اساس این گزارش اختلاف بر سر شکر، بین وزارت صنعت و وزارت جهاد کشاورزی است. بر اساس گزارش وزارت جهاد کشاورزی، «سال گذشته بیش از دو برابر نیاز شکر وارد شده است.» وزارت صنایع دلیل وارد کردن شکر بیش از نیاز را افزایش قیمت خرید چغندر از چغندرکاران ایرانی دانست.

واردات شکر به نابودی صنعت نیشکر، فقر و بیکاری و تنگدستی کارگران و مزدبگیران در بخش نیشکر انجامیده است.

راه حل وزیر روحانی برای کاهش نرخ بیکاری

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی روز سه شنبه ۲ دی گفت؛ برای رفع بیکاری طرحی در دست است مبنی بر این که «مقرری بگیران بیمه بیکاری از طریق تعاونیها جذب بازار کار شوند». وی گفت: «۲ هزار میلیارد تومان از اعتبارات صندوق بیمه بیکاری برای اشتغال مجدد مقرری بگیران بیمه بیکاری در بخش تعاونی هزینه خواهد شد.»

بر اساس طرح فوق، از یک سو کارفرمایان به بیکار کردن کارگران و مزدبگیران تشویق خواهند شد و از سوی دیگر با استفاده از جیب کارگران بیکار یعنی بیمه بیکاری، برای اشتغال و پرداخت حقوق تشویق خواهند شد.

روز شنبه ۱۳ دی عبدالله وطن خواه، یک فعال کارگری در این باره به ایلنا گفت: «این که دولت می خواهد از محل اعتبارات این صندوق، کارفرمایان را به استخدام دوباره کارگران بیکار ترغیب کند، عملی خلاف قانون است. این اقدام به معنی آن است که منابع صندوق بیمه بیکاری به نقدینگی و سرمایه در گردش کارفرمایان تبدیل شود.»

این طرح در حالی مطرح می شود که هزینه کارگران در تولید، کمترین بخش را به خود اختصاص می دهد. این گونه راه حلها علیه کارگران و مزدبگیران بوده و منجر به تشدید بازم بیشتر استثمار خواهد شد.

رشد نرخ بیکاری با توجه به جمعیت جوان ایران، بار دیگر ناتوانی حکومتی فاسد را در رابطه با حل بحران بیکاری نشان داد. وضعیت بحرانی اقتصاد نشان می دهد که شعارهای حسن روحانی قبل از این که تاریخ مصرفشان به نیمه راه برسد، به مرحله کپک رسیده است. پایوران رژیم بار ناتوانی دولت مطبوع شان در حل بیکاری را بر دوش بیکاران گذاشته و بی شرمانه به آنها توهین می کنند. حسن طایی، معاون «کارآفرینی» وزارت خانه «تعاون و رفاه اجتماعی» روز آدینه ۱۲ دی در مورد بخشی از بیکاران گفت: «این افراد نه اشتغال دارند و نه مهارت و برای بازار کار و اقتصاد مشکل ساز هستند.»

در رویدادی دیگر رئیس مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در ایران را در «نقطه بحرانی» دانست. وی روز آدینه ۲۸ دی گفت: «استانداردها می گویند، هر گاه نرخ بی کاری جوانان، حداقل دو برابر نرخ بی کاری کلی بود، شما به نقطه بحرانی رسیده اید. در حال حاضر ما در چنین وضعیتی قرار داریم.» (راديو فردا ۲۸ دی ۱۳۹۳)

شگرد استفاده از معادلات ریاضی

در فقدان ارائه آمار معتبر، میزان نرخ تورم مورد مشاجره است. پایوران دولت روحانی تلاش می کنند به زور بقبولانند که نرخ تورم پایین آمده است. در حالی که روند زندگی مردم و شرایط اقتصادی پایینی نرخ تورم را غیر واقعی نشان می دهد. قائم مقام بانک مرکزی در توجیه ادعای دولت در این مورد به استفاده از ۷ روش پیچیده ریاضی برای رساندن نرخ تورم به «حوالی ۱۶ درصد» اشاره می کند. وی در برابر سوال خبرنگار که «چرا رشد اقتصادی برای مردم قابل لمس نیست، وعده خارج شدن اقتصاد از رکود و «بهبود شرایط زندگی افراد» را می دهد. مصرف این وعده های پوچ و نرخهای غیر واقعی تورم در تعیین حداقل دستمزد کارگران و مزدبگیران تاثیر گذار خواهد بود.

تعیین حداقل دستمزد کارگران به چه روالی؟

تعیین حداقل دستمزد کارگران بر اساس کدام نرخ تورم و چه آماری از خط فقر و همچنین با چه برآوردی از سبب هزینه کارگران و مزدبگیران برای یک خانواده ۴ نفره تعیین خواهد شد، همچنان مورد مشاجره است. امری که هر ساله در حکومت اخوندی در شورای عالی کار مرکب از نمایندگان دولت به عنوان بزرگ سرمایه دار، نماینده کارفرمایان و نماینده به اصطلاح کارگران منتخب دولت صورت گرفته و سرنوشت معیشت میلیونها مزدبگیر را برای یک سال رقم خواهد زد.

از قرار معلوم و طبق سنت هر سال دستمزد پایه حتما نرخ آقای ریاضی دان کارگزار بانک مرکزی را هم نادیده خواهد گرفت و امسال نیز حداقل دستمزد به میزانی تعیین می شود که قدرت خرید کارگران را بازم کاهش خواهد داد. این مساله در ماههای گذشته بارها مورد اعتراض کارگران قرار گرفت.

احتمال پیروزی ائتلاف چپ و رادیکال در انتخابات یونان، تحولی بزرگ در اروپا

لیلا جدیدی

روند انتخابات در یونان اگر چه تفاوت‌های فاحشی با انتخابات در ایران و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی دارد، اما دارای تشابهاتی نیز هست. در یونان هم مانند ایران حساب دو دو تا چهارتاست؛ در آنجا باید قاچاقچی یا همدست یا حامی آنها باشی و در فساد غوطه بخوری تا بتوانی کاندید ریاست جمهوری شوی و به قدرت هم برسی. مردم یونان دهها سال است که می‌دانند حرف‌های بزرگ تنها برای روی کاغذ است و هنگام انتخابات یک ضرب‌المثل قدیمی را تکرار می‌کنند: "بینی‌ات را بگیر و رای بده."



اما آنچه متفاوت است، وجود یک اپوزیسیون چپ قوی است که از ائتلاف چند گروه و سازمان تشکیل شده و در انتخاباتی که قرار است در ۲۵ ژانویه (۵ بهمن) برگزار شود، از شانس پیروزی بسیاری برخوردار است. این پیروزی می‌تواند تحول بزرگ و چشمگیری را در سراسر اروپا در پی داشته باشد.

انتخابات در یونان پس از آنکه پارلمان این کشور نتوانست با آرای مکفی رییس جمهور را انتخاب کند، برگزار خواهد شد. در این انتخابات، "سیریزا"، ائتلاف چپ رادیکال، از شانس پیروزی بالایی برخوردار است. "الکسی سپراس"، رهبر این حزب، گفته است که به سیاست ریاضت اقتصادی اروپا که آلمان نقش اصلی در تحمیل آن را دارد، پایان خواهد داد و چنانچه ضروری باشد، از منطقه "یورو" خارج خواهد شد.

سیریزا برنامه‌های ریاضت اقتصادی را غیرقابل پذیرش توصیف کرده و هدف نخست حزب را تغییر برنامه‌های نو - لیبرالی که این کشور را به سمت ورشکستگی اقتصادی و بحرانهای عمیق اجتماعی کشانده، توصیف کرده است.

تنها دو سال پیش، خروج یونان از منطقه یورو می‌توانست تمامی اقتصاد جهانی را به مخاطره بیندازد. اکنون این کشور در آستانه انتخاباتی است که نتیجه آن خروج یونان را از منطقه یورو محتمل کرده است. تحلیل‌گران معتقدند، دستکم به لحاظ اقتصادی اروپا این امر را دیگر خطری جدی به حساب نمی‌آورد. اما آیا این واقعیت دارد؟

در باره سیریزا

این حزب در آغاز از ۱۳ گروه مختلف و سیاستمداران مستقل که شامل سوسیال دمکراتها، پوپولیستهای چپ و احزاب سبز و همچنین مائویستها، تروتسکیستها و کمونیستهای اروپایی می‌شد، تشکیل شد. رییس پارلمان آن الکسیس سپراس است. او دبیرکل گروهی بنام "سیناسپیسوس" (Synaspismos) است که از ترکیب "حزب کمونیست یونان" و "چپهای یونان" تشکیل شده و بزرگترین گروه این ائتلاف است. در سال ۲۰۱۳ این ائتلاف به "حزب اتحاد" تبدیل شد ولی خود را "جبهه متحد اجتماعی" نامید.

در سال ۲۰۱۲ سیریزا به دومین حزب بزرگ در پارلمان یونان و اصلی‌ترین جریان اپوزیسیون بدل گردید. در انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا نیز جایگاه نخست را کسب کرد و در ماههای اخیر مهمترین و محبوب‌ترین حزب در این کشور شده است.

مردم یونان از ریاضتهای اقتصادی طولانی مدت خشمگین هستند. در سال ۲۰۰۱ مردم آتن در مخالفت با کاهش هزینه های دولتی که شرط دریافت دومین قسط وام سنگین اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول بود، بارها دست به اعتراضهای گسترده زدند. آنها در زندگی روزمره خود شاهد آثار ویرانگر چهار سال برنامه تحمیلی ریاضت اقتصادی بودند که نتوانسته به یک بهبود اقتصادی ملموس بیانجامد. از همین روست که اکنون به حزب سیریزا چشم دوخته اند.

سیریزا می گوید در صورت برنده شدن در انتخابات در مورد شرایط تضمین وام دوباره گفتگو خواهد کرد، برنامه ریاضت اقتصادی یونان را خاتمه داده و پرداخت بخشی از بدهیهای کشور را به عهده نخواهد گرفت. سیریزا بر این باور است که اتحادیه اروپا به جای این که خطر ورشکستگی یونان را پذیرا شود، حاضر به مذاکره در باره بازپرداخت بدهیهای یونان خواهد بود و از این رو دست به قمار بزرگی زده است.

حال این پرسش مطرح می شود که خروج یونان از منطقه یورو اگر برای آلمان به لحاظ اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار نباشد، از چه منظری تهدید خواهد بود؟

آنچه برای آلمان که می تواند نقش هژمونیک در اروپا بازی کند اهمیت دارد این است که برای اولین بار در اروپا دولتی در مسند قدرت قرار می گیرد که به طور جدی سیاست ریاضت اقتصادی را به چالش می کشد.

احزاب رقیب نیز از این تهدید در برابر اروپا به نفع خود سود می برند. از همین رو "آنتونیس ساماراس"، نخست وزیر این کشور گوشزد می کند که عضویت یونان در منطقه یورو شکننده است. اتحادیه اروپا نیز به ظاهر واکنشی بی تفاوت از خود نشان می دهد. آنها وانمود می کنند که در دو سال گذشته در اروپا رفرمهای گوناگونی صورت گرفته و خروج یونان مشکلی ایجاد نخواهد کرد.

"فرانسوا اولاند"، رئیس جمهور فرانسه، در این باره می گوید: "این به تصمیم یونان ربط دارد که چه تصمیمی می خواهد بگیرد و "اروپا نباید همواره با هویت ریاضت اقتصادی شناخته شود."

محلله آلمانی "اشپیگل" در مقاله ای به نقل از منابعی در دولت این کشور نوشته است: "دولت آلمان به این نتیجه رسیده که خروج یونان از منطقه یورو قابل تحمل است، زیرا پرتغال و ایرلند دوران نفاخت اقتصادی را به پایان رسانده اند." اگرچه واکنشی از خانم "مرکل" نسبت به این مقاله پر سر و صدا دیده نشد، اما دولت آلمان تاکید کرده است که از یونان می خواهد به وظایفی که اتحادیه اروپا برای آن تعیین کرده عمل کند.

از سوی دیگر، "دویچه وله" از قول "سیگمار گابریل"، وزیر اقتصاد آلمان، می نویسد: "هدف دولت آلمان، اتحادیه اروپا و آتن این است که یونان در منطقه یورو باقی بماند."

این واکنشها که همان با دست پیش کشیدن و با پا پس زدن است، نشان می دهد طرف مقابل سیریزا نیز قصد بازی در این قمار را دارد. با این حال به عکس آنچه اروپا و به ویژه آلمان وانمود می کنند، پیامد این انتخابات برای رهبران اروپایی از اهمیت خاصی برخوردار است. بدون هیچ شک و شبهه ای آنها تلاش خواهند کرد از پیروزی سیریزا در یونان جلوگیری کنند. پیروزی سیریزا به معنی آغاز نبردی قاطعانه از سوی یونان خواهد بود. برای رهبران اروپایی این امر از آنچنان حساسیتی برخوردار است که گمان می رود حتی در صورت پیروزی سیریزا، نتایج انتخابات را نپذیرند. پیروزی یک حزب چپ رادیکال برای اولین بار این خطر را دارد که کارگران و زحمتکشان در دیگر کشورهای اروپایی تشویق شده و از سیریزا درس اتحاد و همبستگی و سر آخر پیروزی را بگیرند.

بدون تردید طبقه حاکمه در اروپا از تمامی ابزارهایی که در اختیار دارد - که مهمترین آن رسانه ها است - استفاده خواهد کرد تا از پیروزی سیریزا جلوگیری کند. رهبران اروپا به ویژه آلمان، فرانسه، ایتالیا و همچنین وزیر دارایی آلمان دست به دست داده و خواهند داد تا دخالتی موثر در انتخابات کشوری که به تباهی کشانده اند، داشته باشند.

اکنون یونان در آستانه یکی از بحرانی ترین نبردهای انتخاباتی در دهه های گذشته قرار گرفته است. در این نبرد سرسختانه همه اسباب و ابزار، به هر شکل و فرمی، برای منحرف کردن زحمتکشان این کشور به سمت منافع دشمنان شان آماده شده است.

روز اول ژانویه (۱۱ دی)، نهادی به نام "کمیته منسوخ سازی بدهی کشورهای جهان سوم" در اطلاعیه ای نوشت: "این کمیته (CADTM) کوچکترین شکی در اهداف کسانی که یونان را به آزمایشگاه شدیدترین سیاستهای نو - لیبرالیستی بدل کرده و با مردم این کشور همچون موش آزمایشگاهی شوک درمانی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رفتار می کنند، ندارد."

رقبای انتخاباتی سیریزا و گرایشات جامعه

اگرچه حزب سیریزا برای اولین بار پس از ده سال در همه پرسیها بر جایگاه نخست دست یافته و راستگرایان را به گوشه رانده، اما نقش احزاب دیگر را نباید نادیده گرفت، به ویژه آنکه احتمال دارد برای اطمینان خاطر از شکست سیریزا، احزاب دیگر به نفع حزب حاکم وارد گود شوند.

به سبب اهمیتی که این انتخابات دارد، اکنون احزاب دیگر از دو سو خود را سمت و سو می دهند و در یکی از دو جبهه جای می گیرند و در نهایت انتخابات با جبهه گیری و ساختار دو حزبی برگزار می شود.

"آنتونیس کاراکوسیسی"، نویسنده و سرمقاله نویس روزنامه "ویما" (Vima)، یکی از بانفوذترین صاحب نظران در مطبوعات یونانی به شمار می رود. وی می نویسد: "هرکس تاکنون تحقیقاتی پیرامون این انتخابات کرده باشد، بدون شک به شما می گوید که این انتخابات مانند انتخابات سال ۲۰۱۲ رقابتی بین دو جریان است و نه مانند انتخابات ماه مه همان سال که احزاب دولتی با شاخه های گوناگون به رقابت هم رفته بودند."

وی به ویژگیهای مشترک انتخابات سال ۲۰۱۲ و انتخابات سال جاری اشاره کرده و ادامه می دهد: "گروههای سنتی به همان صورت سابق رای خود را در صندوق می ریزند. بدین معنی که افراد در سندهای میانه بیشتر به سمت حفظ وضع موجود گرایش دارند. آنها نگران از دست دادن حقوق بازنشستگی و غیره هستند و تصور می کنند ممکن است با دولتی جدید، هر آنچه دارند نیز از دست بدهند."

دیگران معتقدند، نسل جوان و بیشتر کسانی که شاغل نیستند و یا حقوقی ندارند، از حزب حاکم گریزانند. بسیاری از جوانان اهمیتی به اینکه ثبات داشته باشند نمی دهند. آنها می گویند که هنوز جوان هستند و برای ساختن زندگی خود زمان زیادی دارند. آنها بیشتر به الکسی سیپراس، رهبر سیریزا، گرایش دارند. سیپراس نیز همچون خود آنها جوان است. در سال ۲۰۱۲ نیز او به وضوح نزد جوانان از حمایت بیشتری برخوردار بود. افزون بر آن، در مناطق شهری وی بیشترین محبوبیت را داراست.

این در حالیست که در مناطق حاشیه شهرها بیشترین گرایش به سوی ساماراس، رییس جمهور حزب حاکم است. در بخشهای توریستی و بیشتر در جزایر نیز به این دلیل که سال گذشته رشد اقتصادی متوسطی دیده شد، ساماراس موفق تر خواهد بود. حزب "دموکراسی نوین" که دولت ائتلافی را به نخست وزیری آنتونیس ساماراس، همراه "حزب سوسیالیست یونان - پازوک" تشکیل داده بود، از دیگر حزبهای حاضر در این رقابتهای است.

افزوده بر این، گروههای دیگری نیز هستند که نتیجه انتخابات به اقدامات آنها نیز بستگی دارد. از جمله، رویداد غیر منتظره ای است که به تازگی در پازوک رخ داد. "جورج پاپاندرو"، نخست وزیر سابق یونان که عضو حزب مذکور است، حزب جدیدی تشکیل داده است. اگر چه این اقدام سبب خشم پازوک شده، اما هدف اصلی او جلوگیری از پیروزی سیریزا است. اما این احتمال هم وجود دارد که پازوک خود برای ایجاد سدی بر سر راه سیریزا، از رای دهندگان محافظه کار بخواهد به ساماراس رای دهند.

"دیمیتری سیودراس" که نامزد حزب "ریورا" است نیز شرایط قابل توجهی دارد. این حزب از آمادگی برای همکاری با حزب سیریزا به شرط آنکه یونان از اروپا خارج نشود، خبر می دهد. همچنین از همکاری با "حزب دموکراسی نوین" به شرط جدایی این حزب از جبهه راست افراطی و همچنین پایان دادن به برنامه های حزبی در عرصه های عمومی سخن می گوید.

برخی تصور می کنند در زمان نوسانات سیاسی بهتر است از احزاب کم سابقه و جدید دوری کنند که این دیدگاه نیز سیریزا را تحت فشار زیادی خواهد گذاشت.

در حال حاضر روی حزب "گلدن دان" یا "طلوع طلایی" که رهبرش به خاطر فساد و دزدی در زندان است، نمی شود حساب باز کرد. "طلوع طلایی" جریانی فاشیستی است که از فقر و ناآگاهی مردم استفاده کرده و در انتخابات با دروغ و تزویر رای آنان را کلاشی می کند. طلوع طلایی با همه شگردهایش نتوانست چهره فاسد خود را پنهان کند.

یکی دیگر از نمونه هایی که با آن می شود این حزب را توصیف کرد، یک حادثه در برنامه پخش مستقیم تلویزیون بود. نماینده حزب "طلوع طلایی" به دو زن نماینده چپ یونان در مقابل دوربین حمله ور شد. با این حرکت، ماهیت فاشیستی و نژاد پرستانه این سازمان که تحمل شنیدن حقایق و توان جوابگویی به دو خانم از نمایندگان چپ را نداشت، بیشتر افشا شد. فاشیست مزبور ابتدا لیوان آبش را به سوی یکی از خانمهای نماینده سیریزا پرتاب کرد و سپس به خانمی که نماینده حزب کمونیست یونان بود حمله ور شد و وی را مورد ضرب و شتم قرار داد.

به هر جهت در مجموع این طور به نظر می رسد که توان احزاب کوچک تر بسیار محدود است و نمی توانند تاثیر نگران کننده ای در انتخابات داشته باشند. اما احتمال بسیار زیادی وجود دارد که مبارزه قطب بندی شده و سرانجام با دردهای زیاد از جانب هر دو طرف و تبلیغات فراوان و بی پایان پیش رود و شاید هم در این میان واقعیت به سلاخ خانه فرستاده شود. از سوی دیگر باید توجه داشت که امروز در یونان شرایط دیگری حاکم است، در واقع شرایط تغییر کرده. جامعه و اقتصاد خود را با شرایط تنظیم کرده، توریسم تقویت شده اما مشکلات هنوز حل نشده. بحرانها و تهدیدها ادامه دارد، خشم نسبت به کاهش درآمد، از بین رفتن مشاغل و مالیاتها و فشار بر مردم افزایش پیدا کرده است. مردم این احساس را دارند که هر چیز در هر آنی می تواند تغییر کند.

پایان

آلمان هم اکنون در موقعیتی قرار دارد که می خواهد و می تواند نقش هژمونیک در میان کشورهای اروپایی بازی کند. از این رو یک گزینه آن رفتاری آینده نگرانه و انعطاف پذیرانه است. چنانچه نتواند و نخواهد اینگونه رفتار کند و با ایده تغییر مناسبات بانکی پیشین که بنا به شرایط خاصی مقرر شده بود برخورد ملایمی داشته باشد، آینده و ساختار اروپا را در معرض تغییرات فاحشی قرار می دهد. در سال ۲۰۱۵ مشخص خواهد شد که مرکل و "شوبله" (وزیر دارایی آلمان) خواهند توانست رهبری اروپا را به دست بگیرند یا نه؟

اما یونان هنگامی که سال ۲۰۱۴ را به پایان رساند، در برابر روزهای نگران کننده و مشوشی قرار دارد. امروز مردم این کشور، آنان که هنوز برای همیشه ناامید نشده اند، این گزینه و فرصت را خواهند داشت که در این نبرد یا قمار، درفش پیروزی را نصیب خود کنند.

اکنون نه تنها این از وظایف مبرم همه فعالان یونان است که برای نجات از چنگ نزول خواران سیری ناپذیر و دیکتاتورهای مالی از جنبش چپ حمایت کنند، بلکه وظیفه همه شهروندان اروپاست که در برابر دسیسه های موجود، به دفاع و حمایت از زحمتکشان یونان بپردازند.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

خصوصی سازی متکی بر رانت، تحکیم استبداد (۱۰)

شهره صابری

شکست اقتصاد کینزی آغازگر سیاستی دیگر برای بانک جهانی بود. نه سیاستی نو بلکه بازگشت به روال قبل از تهدید کمونیسم. سرمایه داری در طول دوران تهدید کمونیسم برای محافظت از منافع خود سیاستهای اقتصادی کینزی را به کار بست که در نتیجه ی آن دولتهای رفاه در اروپا و همچنین کشورهای فقیر جهان شکل گرفت. البته دولت رفاه در اروپا و کشورهای فقیر تفاوتهای زیادی داشتند. دولتهای مدرن صورت یافته در جهان سوم در دوران اقتصاد کینزی غالباً حکومتهای نظامی با دیکتاتوریهایی کوچک و بزرگ بود. بعد از جنگ جهانی دوم بانک جهانی چند دلیل برای دادن نقش اساسی به دولت در این کشورها مطرح کرد.

- چون در کشورهای جهان سوم نهادهای اقتصادی وجود ندارند، دولت باید نقش اقتصادی بر عهده گیرد.
- در این کشورها بازار وجود ندارد، پس دولت باید در تخصیص منابع دخالت کند.
- در این کشورها کشاورزی بسیار گسترده و عقب مانده است، پس بهتر است قیمت محصولات کشاورزی پایین نگه داشته شود.
- برای توسعه صنعتی این کشورها باید کشور واردات داشته باشند و این واردات با قیمت پایین محصولات کشاورزی به صنعت کمک کنند.

دولتهای شکل گرفته در ایران هم استثنا نبودند. در ایران دولتهایی داشتیم که صاحب درآمد نفت بودند. قبل از انقلاب، این درآمد نه صرف هزینه های جاری بلکه صرف مراحل اولیه ی شهرنشینی و مدنیت، یعنی امکانات زیر بنایی مثل جاده، راه آهن، بندر، بیمارستان، دانشگاه، انبار و... شده است. دولت وظیفه ی تخصیص منابع را داشته و برای آن برنامه ریزی می کرده که منابع چگونه و به چه مقدار به صنایع، معدن، قسمتهای اجتماعی و فرهنگی و... اختصاص یابد. در تخصیص منابع ظرفیت های رشد در نظر گرفته می شد. در سال ۱۳۵۴ بخش محوری اقتصاد، صنایع سرمایه ای و صنایع تولیدی بود. با توجه به دستورالعمل بانک جهانی در مورد کشاورزی قیمت محصولات کشاورزی و دستمزدها به شدت پایین نگهداشته شد. با این اقدام، کشاورزان و روستاییان به شهرها آمده و شهرنشینی و حاشیه نشینی افزایش پیدا کرد. یکی از دلایل این کار، تدارک نیروی کار ارزان برای صنایع و رشد سرمایه داری بود و همچنین که امروز هم شاهد هستیم هزینه توسعه! بر دوش محرومان و زحمتکشان افتاد.

اصلاحات ارضی در ایران که چند و چون آن در مقالات قبلی شرح داده شد برای زحمتکشان یک فاجعه بود. مثل همیشه سیاستهای پیش قراولهای دلقک سرمایه داری، فاجعه را عمیق تر کرد. روستاییان مهاجر و کارگران فقیر که وضعیت زندگی اسفبار و دردناکی داشتند، نیروی عظیمی برای انقلاب شدند. به گفته مارکس؛ متفکران رنج کشیده و رنج کشیدگانی که فکر می کردند متشکل شدند تا کار به انقلاب ۱۳۵۷ کشید.

پس از انقلاب ۱۳۵۷ همانطور که قبلاً گفته شد؛ امکان به کار بستن سیاست نولیبرالیستی به دلیل جو انقلابی حاکم تا مدتی میسر نبود. با شروع دوران رییس جمهوری هاشمی رفسنجانی صحبت از تعدیل اقتصادی و آزاد سازی قیمت ها مطرح و به میزانی عملی شد، این سیاست در دوران رئیس جمهوری خاتمی هم به تدریج و با آرامی انجام شد. اما در دوران احمدی نژاد سیاست شوک درمانی به طور بسیار سریع و همه جانبه همراه با سرکوب وحشیانه پیگیری و عملی شد. در حقیقت تفاوت دولت احمدی نژاد با دولتهای دیگر در ماهیت برنامه نئولیبرالی آنها نیست، تفاوت تنها در نحوه اجرای آن است که دولت احمدی نژاد وحشیانه تر و سرکوبگرانه تر به آن عمل کرد.

روشن است که رژیم ایران از حمایت بانک جهانی برای تامین منافع خود برخوردار است، اما عوامل رژیم این موضوع را نفی می کنند.

محمد طیبیان که در ایران به عنوان بنیانگذار اقتصاد آزاد و تعدیل اقتصادی شناخته می شود، جوانان تحصیل کرده در خارج را بانی اقتصاد آزاد در ایران می داند و در مصاحبه ای با احمد امویی حرفهایی مسخره و بی سر و ته می زند که مضمون آن چنین است؛ جوانان تحصیل کرده فهمیدند که اقتصاد آزاد خوب است. من خودم فهمیدم که اقتصاد آزاد خوب است! چون اقتصاد آزاد یعنی دموکراسی و احترام به آزادی و حقوق فرد و اقتصاد آزاد قدرت دولت را محدود می کند، تشخیص دادم که خوب است! او ادامه می دهد که؛ ما اصلاً به زور کارشناسان بانک جهانی را به ایران راه می دهیم و آنها با اصرار می توانند با ما یک ناهار بخورند.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

قاتلان مزدور

فقط "حکومت اسلامی" (داعش) نیست که بیرحمانه عمل می کند. شبه نظامیان شیعی هم با شهروندان سنی به همین میزان از خشونت برخوردار می کنند. دولت عراق دست آنها را باز گذاشته است.

یونگه ولت/ آر پی آن لاین

برگردان و تنظیم: بابک

ارین اورز (Erin Evers)، نماینده دیده بان حقوق بشر می گوید، تمام نگاهها به شبه نظامیان تروریست "دولت اسلامی" دوخته شده، "اما قتلها و آدم رباییهایی توجه برانگیز آنها فقط بخشی از داستان رفتار غیرانسانی و چندی آور با مردم عراق است" و از آن جمله، رنجی است که شهروندان غیرنظامی از نیروهای دولتی و شبه نظامیان شیعی می برند.



اورز چند روز پیشتر با شاهدان محاصره "لطیفیه" گفتگو کرده است؛ شهری با اکثریت جمعیت سنی در "کمربندی بغداد" که شمار ساکنان آن در پی حملات لشکر مشهور هفدهم و شبه نظامیانی که زیر کنترل نخست وزیر پیشین، نوری المالکی قرار دارند، در خلال چند هفته تا سپتامبر، از ۲۰۰ هزار نفر به ۵۰ هزار نفر کاهش یافت. بسیاری از ساکنان ربوده و کشته شدند. شهروندان از اعدام علنی در خیابان و تنها در فاصله چند متری از مرکز پلیس خبر دادند.

در ۱۱ ژوئیه شبه نظامیان در یک بازار ۱۳۷ نفر را دستگیر و با خود بردند. جسد های ۳۷ نفر آنها تاکنون پیدا شده، از بقیه هیچ نشانی پیدا نیست.

به کلی خارج از قانون و مصون از مجازات

در بغداد نیز در حال حاضر گروه‌های مسلح از همه نوع، تصویر مسلط شهر را تشکیل می‌دهند. آنها مثل قارچ از زمین می‌رویند و در پایتخت عراق ترس و وحشت می‌پراکنند. "مهدی احمد السوداني"، رییس "شکر"، یک دسته از شش گروه حزب الله عراق، تخمین می‌زند که هم‌اکنون بیش از ۳۵ گروه مختلف در نبردها شرکت دارند. در خیابانهای بغداد به طور



روزانه پلاکاردهای دسته‌های جدیدی مانند "الشهید صدر" یا "گردان امام علی" دیده می‌شود که برای جنگ علیه "حکومت اسلامی" عضوگیری می‌کنند. صحنه شبه نظامیان هر روز غبارآلوده تر می‌شود.

سازمان عفو بین‌الملل در گزارش ۲۸ صفحه‌ای خود به نام "به کلی مصون از مجازات، نقش شبه نظامیان در عراق" که در ماه اکتبر منتشر کرد، موارد گوناگونی از آدم‌ربایی و اعدام توسط شبه

نظامیان شیعی در بغداد، سامره، کرکوک و بسیاری از شهرهای دیگر در سراسر کشور را ثبت کرده است. براساس این گزارش، فقط در سامره از ابتدای ماه ژوئن ۱۷۰ مرد جوان سنی ربوده شده‌اند. جسد چندین تن از آنها پیدا شده و در اینجا نیز از سایرین همچنان خبری در دست نیست. آنها یا به خاطر مظنون بودن به پشتیبانی یا هواداری مخفیانه از "حکومت اسلامی" به قتل می‌رسند و یا برای تلافی حملات آن.

قدرت شبه نظامیان که توسط ایران هم پشتیبانی نظامی می‌شوند، از ماه ژوئیه سال گذشته و پس از آنکه نیروهای رسمی نظامی ناتوانی خود را به نمایش گذاشتند، به شدت افزایش یافت. به گفته عفو بین‌الملل، آنها اغلب توسط دولت عراق مسلح و پشتیبانی می‌شوند و در عملیات خود به درجات گوناگون با نیروهای دولتی به طور مشترک کار می‌کنند. هوشیار زیباری، وزیر جدید دارایی اطلاع می‌دهد که از ماه ژوئن به این سو، بیش از یک میلیارد دلار بدون طرح و نقشه بین شبه نظامیان شیعی توزیع شده و دولت مالکی این هزینه را هیچ‌جا ثبت نکرده است. اینک عراق در تنگنای مالی گرفتار شده است.

زیباری وعده داده که در سال جدید میلادی یک بودجه عادی تنظیم خواهد کرد که در آن منظور شدن قبایل سنی که هم‌اکنون در استان "الانبار" علیه "حکومت اسلامی" می‌جنگند، بالاترین تقدم را خواهد داشت. بر این اساس، دوران برخورداری نیروهای مزدور شیعی از امکانات نامحدود می‌بایست به انتها رسیده باشد. آنها اونیفورم بر تن دارند، اما به کلی در خارج از چارچوبهای قانونی دست به عمل می‌زنند. به گفته عفو بین‌الملل، در نتیجه پشتیبانی دولت از این شبه نظامیان، چرخه خشونت مذهبی اعمال شده از سوی بنیادگرایان سنی و شیعه به سطحی رسیده که از بدترین روزها بین سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ تاکنون وجود نداشته است.

تبهکاری و تصفیه قومی در پوشش جنگ با داعش

"دوناتلا روورا" (Donatella Rovera)، مسوول امور بحران عفو بین‌الملل در هنگام معرفی گزارش یاد شده گفت: "دولت با دادن مجوز برای ارتکاب روزمره چنین خشونت‌های دهشتبار، از جنایات جنگی حمایت می‌کند و یک پروسه بسیار خطرناک از خشونت‌های مذهبی را به جریان می‌اندازد که کشور را چند پاره خواهد کرد."

چندین گروه شبه نظامی شیعی و از جمله آنها، "گردانهای بدر" (۱) همراه کردها در شمالی ترین نقطه کشور علیه "دولت اسلامی" می جنگند. به گزارش سازمان ملل در جریان این جنگ، موارد زیادی انتقام گیری از سنیها روی می دهد. نشریه معتبر "مسایل خارجی" (Foreign Policy) در اوایل نوامبر نوشت: "دسته های غارتگر شبه نظامی نزدیک به دولت، از جنگ علیه "دولت اسلامی" به عنوان پوششی برای نابودی جوامع سنی در سراسر کشور استفاده می کنند."



آنها از بازگشت خانواده های سنی به شهرها و روستاهای آزاد شده از چنگ داعش جلوگیری می کنند. اغلب، منازل به آتش کشیده می شود و اینجا و آنجا کل یک روستا به شعله های آتش سپرده می شود. یک ویدیو نشان می دهد که چگونه شبه نظامیان

شیعی سر فردی که به همدستی با "دولت اسلامی" متهم شده را قطع می کنند. گردانهای بدر که از سال ۲۰۰۵ به بخشی از ائتلاف دولت درآمده است و در دولت جدید نیز وزارت کشور را در اختیار دارد، برای پنهان کردن اقدامات خود حتی تلاش هم نمی کند. به گزارش وبگاه کردی "رووداو" (Rudaw)، فرمانده یک واحد بدر که در نزدیکی بغداد مستقر است می گوید: "جهادگران شیعی حق دارند زندگی و دارایی عربهای سنی که در کنار "دولت اسلامی" می جنگند را بگیرند." این در حالی است که هر کس که از برابر "دولت اسلامی" فرار نکرده، همدست آن محسوب می شود. وی در این رابطه می گوید: "ما معتقدیم همه کسانی که تحت فرمان "دولت اسلامی" زندگی می کنند، اعضای آن هستند. هیچ فرد بی طرفی در مناطق تحت اتوریته "دولت اسلامی" وجود ندارد."

"یاسر محسن" یک پدر خانواده ساکن در شهر "ابوغریب" است. او شیعه است. دختر ده ساله اش در وسط اتاق نشیمن روی زمین نشسته و بدون دلیل شروع به گریه می کند. او با نگاه پریشان به میهمانان خارجی نگاه می کند. مادر بزرگش "نهیده" می گوید: "بچه می ترسد. آنقدر اینجا تیراندازی می شود، آنقدر فریاد کشیده می شود و آن قدر افراد غریبه در شهر هستند ... نه! غریبه ها افراد داعش نیستند، شبه نظامیان شیعی هستند که وانمود می کنند می خواهند از ما در برابر آنها حفاظت کنند."

محسن می گوید: "شبه نظامیان همه جا هستند، ناگهان شروع به تیراندازی می کنند، اغلب بدون دلیل. به مردم در فروشگاهها اهانت می کنند، آدم ربایی می کنند و باج می خواهند. به تازگی شماری از آنها وارد یک فروشگاه تلفن دستی شدند و همه اجناس آن را ضبط و صاحب فروشگاه را با خود بردند و برای آزادی او ۶۰۰ هزار دلار مطالبه کردند. مشکل واقعی ما شبه نظامیان شیعی هستند، نه داعش. انسان اغلب نمی داند مردان مسلحی که اینجا مرتکب این اعمال می شوند، تحت فرمان چه کسی هستند."

از هنگامی که آیت الله سیستانی در نجف فراخوان دفاع از کشور در برابر داعش را داد، هزاران داوطلب، بیشتر از شهرهای شیعه نشین در جنوب عراق، به بغداد آمدند تا برای جنگ با داعش ثبت نام کنند. دهها هزار نفر از اینان اگر چه اونیفورم ارتش عراق را بر تن دارند، اما خارج از چارچوب قانون و بدون هر گونه کنترلی دست به عمل می زنند. ابوغریب، آخرین شهر استان الانبار پیش از بغداد، به این وسیله یک بار دیگر به شهرتی غم انگیز رسیده است.

نقش اشغالگران

عفو بین الملل رییس دولت جدید عراق، "حیدر العبادی" را فراخوانده تا به تبهکاری نیروهای دولتی و متحدان شبه نظامی اش پایان دهد. دیده بان حقوق بشر نیز از واشنگتن خواسته است که دیگر از جنایتهای دولت در بغداد و شبه نظامیان آن پشتیبانی نکند. به گفته این سازمان، "باوجود ارتکاب به جنایتهای چندش آور توسط نیروهای دولتی مانند بمباران بی هدف مناطق سنی نشین و قتل هزاران شهروند، شکنجه، اعدامهای بدون محاکمه و نیز یک سیستم قضایی که بیشتر از آنکه عادلانه باشد، ابزاری برای سوواستفاده است، ایالات متحده در طول سال گذشته بی وقفه تجهیزات نظامی به بغداد ارسال کرده است". ادغام شبه نظامیان شیعی در ارتش عراق به چنان ابعادی رسیده که اکنون در عمل تشخیص آنها از یکدیگر را ناممکن ساخته است.

از آنجا که آشکار است سیاست سرکوبگرانه و تبعیض آمیز المالکی علیه سنیها موجب تحریک خیزش در استانهای سنی نشین شده و از این راه همچنین راه را برای نفوذ داعش هموار ساخته، غرب اکنون امیدوار است که العبادی علایق سنیها و دیگر گروههای تحت تبعیض جامعه را بیشتر در نظر بگیرد. از آنجا که برای بیشتر استراتژیستها در واشنگتن روشن است که "دولت اسلامی" تنها در اتحاد با نیروهای سنی قابل شکست دادن است، فشار بر دولت جدید برای رسیدن به تفاهم با رهبران "مدره" سنی افزایش یافته.

دولت جدید عراق در هنگام شروع به کار در ۸ سپتامبر ۲۰۱۴ وعده داد به بمباران شهرهای سنی نشین خاتمه دهد و خواسته های مخالفان سنی را بررسی کند. فاکت اما این است که تاکنون گامی به سوی قیام کنندگان برداشته نشده. هم نیروی هوایی و هم توپخانه همچنان در فلوجه و شهرهای دیگر سنی نشین، هدفهای غیرنظامی را آماج حملات خود قرار می دهند. بیمارستان مرکزی فلوجه درست یک روز بعد از وعده های العبادی دوباره هدف قرار گرفت.

یک تغییر بنیادی سیاست بغداد از جانشین مالکی هم به طور جدی انتظار نمی رفت. همانگونه که بعد از رشد شتابان داعش، "ناتوانی" مالکی و سیاستمداران عراقی در "منطقه سبز" از همه جهت مورد انتقاد قرار گرفت، به همین صورت عامدانه نادیده گرفته شد که خط مشی که عراق را به گونه دائمی به سوی لبه پرتگاه می راند، با اشغال عراق توسط آمریکا آغاز گردید. پیش از سال ۲۰۰۶ در عراق نه از جنگهای فرقه ای نشانی وجود داشت و نه از گروههای جهادی. اشغالگران اما از همان ابتدا روی تجزیه فرقه ای حساب باز کردند. آنها یک رژیم شیعی - اسلامی بر سر کار نشانند، "بعثی زدایی" یکجانبه ای علیه سنیها را به پیش بردند و سرانجام برای تضعیف مقاومت در کشور، ریسمان از پای یک جنگ کثیف علیه سنیها و روشنفکران مستقل گشودند. مالکی این سیاست را از سال ۲۰۰۹ فقط با حمایت اوباما توانست جلو ببرد.

یک توافق فاسد

رژیمی که هشت سال پیش به ریاست مالکی بر سرکار نشانده شد، حاصل توافقی بین واشنگتن و تهران است که هدف مرکزی و مشترک آن جلوگیری همیشگی از تجدید حیات دوباره هرگونه دولت مستقل، عربی - ملی عراق می باشد. بر تخت صدارت نشاندن العبادی که عضو همان حزب مالکی است، در همین توافق ریشه دارد.

چنین هدفی که علیه منافع اکثریت جامعه جهت گرفته، فقط به وسیله قهر متکی به هویت مذهبی و برانگیختن دشمنیهای قومی و مذهبی دست یافتنی است. بدین ترتیب، درگیریهای مسلحانه ادامه خواهد یافت، "حکومت اسلامی" و دیگر شبه نظامیان افراطی زمینه عمل خواهند داشت و کشور به گونه نیرومند تری از هم پاشیده خواهد شد.

مداخله نظامی آمریکا در کنار نیروهای دولتی و شبه نظامیان شیعی و پیشمرگه های کرد این پروسه را عمیق تر می کند، زیرا چنین می نماید که این مداخله نه فقط علیه "دولت اسلامی" بلکه علیه تمامی جنبش مقاومت صورت می گیرد، در غیر این صورت می بایست در عملیات نظامی خط روشن تمایزی بین این نیروها و جهادگران ترسیم می شد. این خواسته

ای است که "گروه بین المللی بحران"

(International Crisis)

Group) از ماهها پیش آن را مطرح می کند. به جای زدن مهر " تروریست" به مخالفان در منطقه های سنی نشین، سازمان ملل و آمریکا باید این امر را به رسمیت بشناسند که آنها خواسته های مشروع یا به لحاظ سیاسی قابل مذاکره ای دارند



و به همین دلیل، بحران ژرفش یافته بر اثر سرکوب بیرحمانه اعتراضهای مسالمت آمیز، از طریق سیاسی قابل حل است. تمرکز دوباره رسانه ای بر نیروهای جهادی - همچون در دوره رشد شتابان مقاومت عراق از سال ۲۰۰۴ - در خدمت ثبات بخشی به رژیم شیعی - فرقه ای قدیمی است که به لطف اشغالگران در بغداد بر سر کار آمده است. به وسیله دخالت مستقیم نظامی و بازسازی دوباره حضور نیرومند نیروهای آمریکایی، واشنگتن می خواهد نفوذ خود بر این رژیم را که در سالهای گذشته به گونه فزاینده به ایران اتکا کرده، دوباره افزایش دهد. پس از گسیل واحدهای دیگر نظامی در ماه نوامبر، توان نیروهای رسمی نظامی آمریکا به بیش از سه هزار سرباز افزایش یافته است. با وجود آنکه اوباما اطمینان می دهد که نیروهای جدید ماموریت جنگی ندارند، اما منطقه عملیات آنها درست در مرکز جبهه های جنگ است. افزون بر این، با ایجاد سر فرماندهی لشکر ۱ پیاده نظام، یک ستاد برای ده هزار سرباز در عراق پا گرفته که نشانه روشنی از طرحهای گسترده تر است.

نخستین گام برای تشکیل یک دولت غیر فرقه ای و بنا شده بر منافع ملی در عراق، بر هم زدن تمرکز انحصاری بر "دولت اسلامی" و روشن کردن این واقعیت برای افکار عمومی است که فقط داعش نیست که مسوول جنایتهای وحشیانه، حمله به شهرها و تهدید گروههای گوناگون مردم است؛ بلکه همچنین نیروهای رسمی و شبه نظامیان وابسته به دولتی که تحت حمایت غرب قرار دارد، بار این مسوولیت را بر دوش دارند.

پانوشت:

۱- گردانهای بدر در ایران توسط مجلس اعلای انقلاب اسلامی شکل گرفت و در جنگ ایران - عراق در کنار ایران می جنگید و بعدها دست به حملات تخریبی در خاک عراق می زد. این نیرو از سال ۲۰۰۳ به جایگاه یکی از مخوف ترین گروههای شبه نظامی که مسوول شکنجه و قتل هزاران سنی و دیگر گروهها شناخته شده، ارتقا یافت. امروز هم این گروه نزدیکترین رابطه را با ایران دارد.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

اینجا نفس نیست...

حامی پرهام

در پی وقوع انقلاب صنعتی و پیشرفت روزافزون جوامع بشری در دستیابی به منابع کانی و فسیلی، استفاده از سوخت و مواد آلی رشد چشمگیر و فزاینده ای به صنعت بخشید. همزمان با این تحول، محیط زیست و اکولوژی نیز در معرض تخریب و آسیبهای جبران ناپذیر قرار گرفت. در جوامعی که اهمیت حفظ محیط زیست و سلامت انسانها مورد توجه حاکمان است، اقدامات جبرانی و پیشگیرانه مدون و علمی در راستای توقف فرایند زوال محیط زیست در اولویت قرار می گیرد و طرحهای کلان حفاظتی و ترمیمی با پژوهشها و تحقیقات علمی تحت عنوان اسناد بالا دستی تدوین و لازم الاجرا می گردد.



هشدارهای بی نتیجه

در اواخر حکومت شاه به واسطه تاثیر نظرات روشنفکران و فعالان محیط زیست و همچنین برداشت از جوامع پیشرفته، رژیم با عقد قرارداد با یک شرکت مشاور ایرانی - فرانسوی به نام "ستیران"، مقدمات تدوین سند بالادستی آمایش سرزمین را فراهم کرد و شرکت مزبور نیز با صرف هزینه های کلان و هزاران ساعت کار تحقیقاتی جامع در سراسر کشور، طرح آمایش را تهیه و در اختیار حکومت وقت نهاد؛ طرحی که در آن تمام پیش بینیهای تخریب زیست محیطی مانند بحران کم آبی تهران و چند کلانشهر دیگر، بحران خشکسالی دریاچه ارومیه، بحران زاینده رود و... موجود بود و راهکارهایی نیز ارائه شده بود. ولیکن طرح فوق نه در دوره رژیم شاه و نه در رژیم جمهوری اسلامی اجرا نشد تا فرایند بحران محیط زیست سرعت بیشتری به خود بگیرد.

از سال ۱۳۷۴ که در نشست جمعی از فعالان محیط زیست و مسوولان حکومتی، بحران آلودگی هوای تهران و سایر کلانشهرها مطرح شد، اهمیت وجود یک برنامه کلان و قابل اجرا برای توقف این روند روزافزون آلودگی و تخریب محیط زیست نمود بیشتری یافت. اما به نظر می رسد که همه چیز در همان جلسه به فراموشی سپرده شد و حفظ محیط زیست و سلامتی جسمی و روحی انسانها همچنان در اولویت حکومت قرار ندارد.

ریشه شروع آلودگی هوای تهران و چند شهر بزرگ دیگر از آنجایی آغاز شد که پس از خیزش سال ۵۷ و در پی از هم گسیختگی اجتماعی، هجوم روستاییان و طبقات محروم از گوشه و کنار ایران به تهران و کلانشهرها تراکم جمعیتی را بدون زیرساخت مناسب به مرز انفجار رسانید. همزمان تمرکز صنایع بزرگ و آلاینده در داخل این شهرها و پیرامون آن و

تردد هزاران خودروی غیر استاندارد همگانی و شخصی، در مدت زمانی نه چندان طولانی آسمان تهران و کلانشهرهای دیگر را غبار آلود و سیاه نمود.

در حالی که هم اینک تابلوهای هشدار آلاینده هوا وضعیت بحرانی را در تهران، کرج، اصفهان، مشهد، اراک و... نشان می دهد، کماکان شاهد هستیم که برای مثال در اصفهان براساس آمار نهادهای دولتی، روزانه بیش از ۳۰۰ تن گوگرد حاصل از سوخت مازوت نیروگاههای برق افزوده بر سایر آلاینده های خطر آفرین که از دو کارخانه ذوب فلز و میلیونها خودرو متصاعد می شود، در هوا دمیده می شود.

شعار به جای برنامه عمل

روز شانزدهم دی ماه سال جاری خانم ابتکار به عنوان متولی حفاظت از محیط زیست، برنامه های پیشگیرانه دولت را در چند بند ارایه کرد. وی در بند اول، توسعه حمل و نقل عمومی را مطرح کرد و این در شرایطی است که قرار بود طبق برنامه توسعه چهارم تا سال ۱۳۸۸ بیش از ۷۵ درصد جابجایی در تهران با حمل و نقل عمومی و ۲۵ درصد نیز با وسایل نقلیه شخص انجام پذیرد که طبق نظر کارشناسان داخلی اکنون این وضعیت معکوس است.

در بند دوم، مبحث کهنه و فرسایشی از رده خارج کردن خودروهای فرسوده بار دیگر بیان شده است. در این باره به این نکته باید توجه داشت که بر اساس آمار دولتی در حدود هشت هزار تاکسی فرسوده و از رده خارج با آلاینده های فراوان که حتی قابلیت جابجایی مسافر را هم ندارند، در تهران در حال تردد هستند. همچنین از سال ۱۳۸۱ تاکنون بودجه ای جهت اسقاط خودروهای فرسوده که تماما در مالکیت طبقه محروم هستند، در نظر گرفته نشده است و این اشخاص بدون کمک دولتی قادر به اسقاط وسیله نقلیه خود که منبع تامین معاش خانواده می باشد، نیستند.

در بند سوم، ارتقا کیفیت سوخت مد نظر دولت است و برنامه تولید بنزین با استاندارد یورو ۴ در دستور کار پالایشگاههای داخلی قرار گرفته است. این موضوع افزون بر صرف هزینه های فراوان و مشروط گردیدن به ایجاد زیرساختهای لازم، هیچ همگونی با خودروهای تولید داخل ندارد، چرا که استاندارد تولید خودروهای داخلی بر اساس یورو ۲ بوده و لازم به ذکر است که همین خودروها حتی کاتالیزورهای مناسبی برای کاهش آلاینده های بنزین ندارند.

در بند چهارم، جدی گرفتن موضوع معاینه فنی خودروها و ارتقا سطح آن عنوان شده است. این درحالی است که در مراکز فعلی معاینه فنی فقط به کنترل ترمز و چراغ و ابتدایی ترین کارکرد موتور توجه می شود. شایان یادآوری است که هر خودرو پیکان ۸ گرم و هر موتور سیکلت ۷/۵ گرم گاز آلاینده به صورت مستقیم تولید می کند. از سوی دیگر، هنوز تولید پیکان وانت در برنامه تولید "ایران خودرو" قرار دارد و کماکان تایید معاینه فنی دریافت می کند.

در بند پنجم، جلوگیری از فعالیت صنایع آلاینده پیش بینی شده است. با توجه به رکورد اقتصادی و تعطیلی ناخواسته بسیاری از صنایع و در پی آن بیکاری رو به رشد برخلاف آمار دولت، این موضوع کاملا شعاری به نظر می رسد. در این باره لازم به ذکر است که در غرب تهران بسیاری از معادن شن و ماسه و آسفالت و کارخانه های آلاینده قرار دارد که با وزش همیشگی باد از غرب به شرق در این منطقه، تمام ریزگردهای خطر آفرین معلق به سمت تهران حرکت می کند و آلودگی این کلان شهر را چند برابر می سازد.

در بند ششم، بهبود کیفیت سوخت نیروگاهها مد نظر است. همانطور که در بالا اشاره شد، بیشتر نیروگاههای کشور از سوخت مازوت که متصاعد کننده گوگرد است استفاده می کنند و تغییر سوخت از مازوت به گاز و سایر سوختهای پاک تر، نیازمند تخصیص بودجه خاص می باشد. حال باید دید که دولت با کاهش فزاینده قیمت نفت، در اصل توان پرداخت این هزینه را دارد.

لایه مرگ

در انتها اشاره ای هم به فرایند وارونگی دما "اینورژن" می کنیم که به شدت محیط زیست و سلامتی مردم کلانشهرها را تهدید می کند. در فرایند اینورژن با شروع روز و آغاز فعالیتهای انسانی و مصرف سوخت، دمای سطح زمین افزایش می

یابد و هوای گرم هنگام حرکت به بالا و با هنگام جابجایی به وسیله باد، با لایه هم دما از هوا که بوسیله تابش خورشید در طبقات فوقانی جو تشکیل شده برخورد کرده و این امر مانع صعود هوا و تبادل آن می گردد. در نتیجه یک سطح پوشش هوا بالای شهر تشکیل می شود که با گذشت زمان به دلیل حبس هوا در زیر این لایه، مواد آلاینده در سطح زمین باقی می مانده و بالا نمی رود و به شدت صدمات جدی و جبران ناپذیر بر انسان و محیط زیست وارد می کند. در زیر، آماری مختصر از شیوع و صدمات بیماریهایی که از آلودگی هوا حاصل و از جرایم دولتی استخراج شده، آورده می شود:

در تهران سالانه بیش از پنج هزار نفر بر اثر آلودگی هوا جان می بازند و آلودگی هوا با افزایش احتمال سکته های قلبی و بیماریهای عروقی و تنفسی از قبیل برونشیت و آسم همراه است. افزایش ۴۲ درصدی احتمال مسمومیت بارداری و ۳۰ درصدی احتمال زایمان زودرس از دیگر آثار آلودگی هوا است. همین امر، عامل مرگ بیش از ۲۰ درصد نوزادان محسوب می شود.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com

نوشتیدن جام سلامت

امید برهانی

روزی همسایه ملانصرالدین به او گفت: ملا! دیشب دیدم چند نفر صندوق بزرگی را در کوچه می بردند.

ملا گفت: خوب به من چه؟

همسایه گفت: آخر به طرف خانه تو می بردند.

ملا گفت: خوب به تو چه!؟

وزارت بهداشت و درمان پس از انقلاب همیشه از کم بودجه ترین وزارتخانه ها و کارکنان اش با وجود سختی شغلی و مسوولیت حرفه ای، از کم درآمد ترین و محروم ترین کارکنان دولتی بوده اند. وزیران بهداشت و درمان هم که همگی بدون استثنا، پزشک متخصص بوده و هیچ گونه آشنایی با علم مدیریت دولتی یا اقتصادی و یا مدیریت بهداشت و درمان نداشته اند، برنامه های بهداشتی و درمانی را اغلب از روی سلیقه تعیین و اجرا کردند. نتیجه این که اولویت همیشه با بخش درمان بوده و بخشهای پیشگیری و بهداشت در عقب ماندگی بسر برده اند. در همین حال باید دوره وزارت علیرضا مرندی را از این قاعده استثنا کرد که به دلیل همین عقب ماندگی و ضرورت پذیرش و اجرای برنامه های بهداشتی سازمان بهداشت جهانی و با کمکهای مالی این سازمان، برنامه های مراقبتهای اولیه بهداشتی (پوشش واکسیناسیون، مراقبت مادر و کودک، تنظیم خانواده...) با قدرت و میزان موفقیت بالایی اجرا شد.

دوره های بعدی اما (و در اساس تمام دوره ها) با بی کنشی در زمینه های بهداشت محیط، بهداشت و سلامت مواد غذایی، امور دارویی و نوسازی مراکز درمانی و تختهای بیمارستانی مواجه بوده اند. در توجیه این کاستیهای سلامت، وزیران نامدیر یا همواره تقصیر را به گردن بودجه ناکافی و صندوق خالی این وزارتخانه انداخته اند و یا از ضعف همکاریهای "بین بخشی" دیگر ارگانها نالیده اند (به من چه!).

و حالا که در دوره وزیر اخیر، صندوق به مدد حذف یارانه های عمومی و در حقیقت از جیب مردم نیازمند خدمات سلامت پر شده ولی راه مصرف آن با اعتراضها و مطالبات مادی و صنفی طبقات زحمت کش همین وزارتخانه و همزمان، با نظرات

کارشناسان و منتقدان نظام سلامت به چالش کشیده می شود، می گویند صد تا پرستار که نماینده تمام پرستاران نیستند، نخبه کشی و غوغا سالاری نکنید، بگذارید کارمان را بکنیم (به تو چه؟).

فاز اول طرح تحول سلامت

هدف فاز اول "طرح تحول سلامت"، کاهش پرداخت فرانشیز بیماران از ۳۰ درصد به ۱۰ درصد در بیمارستانهای دولتی عنوان شد؛ طرحی که از همان ابتدا نادرستی و نا پختگی اش آشکار بود و با مخالفت عده ای کارشناس و منتقد مستقل مواجه شد، چون تا پیش از این دولت میلیاردها تومان به صندوقهای بیمه بدهکار بود و سازمانهای بیمه گر هم با توجه به میزان تورم و میزان طلب بالا از دولت، به تدریج تعهدات پوشش بیمه شدگان را کم کردند تا جایی که بیماران به جای ۳۰ درصد پرداخت قانونی، در عمل ۷۵ درصد هزینه های ویزیت سر پایی، دارو، پاراکلینیک (آزمایشگاهی و تصویر برداری) را می پرداختند (این روند هنوز هم در مراکز درمانی ادامه دارد).

از سوی دیگر، برای جبران ظاهری این نقیصه، طرح من در آوردی و عوام فریبانه "بیمه های تکمیلی" از چند سال گذشته شروع شد که طی آن سازمانهای بیمه گر خصوصی با هماهنگی بیمه های اصلی (تامین اجتماعی، خدمات درمانی، و نیروهای مسلح)، مبالغی را سالانه از حقوق بیمه شدگان که کارگر و یا کارمند هستند کسر می کنند تا هزینه های درمانی و تشخیصی آنها را در بخشهای خصوصی متقبل شوند، اما در عمل فقط چیزی در حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد هزینه ها را می پردازند. این طرح تنها به درد نجات بیمه های خصوصی از ور شکستگی و افزایش ثروت آنها خورد و نه به درد نجات بیمه شدگان از بیماری و محرومیت.

جای سوال است که با این وضع اسفبار پوشش بیمه و تعهدات مالی سنگین به بیمه ها، دولت چطور می خواهد پرداخت از جیب مردم را از ۳۰ درصد به ۱۰ درصد کاهش دهد؟ نخستین راهکار از سوی وزیر این گونه عنوان شد: افزایش بودجه وزارت بهداشت از محل درآمد حاصله از حذف یارانه های عمومی.

راهکار دوم همکاری سازمانهای بیمه گر اعلام شد به این معنی که این سازمانها حق بیمه های دریافتی از مردم را افزایش ندهند! پر واضح بوده و هست که شرکتهای بیمه گر علی الاصول موسسات سرمایه گذاری بوده و در اساس از سازو کار سرمایه یعنی کسب سود بیشتر پیروی می کنند و هیچگاه منافع گروه هدف (بیمه شدگان) در اولویت شان قرار ندارد. بنابراین، طلب همکاری از آنها در نگرفتن پول از مردم از همان ابتدا یک بلوف و یک توصیه دم دستی برادرانه و انداختن توپ در زمین سازمانهای بیمه گر و چیزی در مایه "به من چه" بیشتر نبود.

راهکار سوم و پایانی وزارت بهداشت (که قابل پیش بینی هم بود)، بالا بردن تعرفه های درمان به میزان ۴۰ تا ۵۰ درصد در بخش دولتی (بنا به گفته مدیر عامل بیمه های سلامت وزارت تعاون) و افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی در بخش خصوصی (بنابر اظهارات سازمان نظام پرستاری) بود که با این حساب، پرداختی مردم با تعرفه های جدید، ۱۰ درصد از ۳۰ درصد پرداختی قدیم بیشتر شد.

بدینگونه ادعای کاهش هزینه درمان مردم از سوی وزیر "دولت تدبیر و امید"، با تدبیری حساب شده، ریاکارانه و مرحله به مرحله، اقدامی نو - لیبرالیستی در جهت کاهش تعهدات دولت در خدمات رفاهی به مردم به ویژه طبقات کارگر و حقوق بگیر از آب درآمد.

فاز دوم طرح ارتقای سلامت

این مرحله با اعلام اهدافی مانند کاهش میزان پرداختی، ماندگاری پزشک در مناطق محروم و مقیمی متخصص در بیمارستان و بالا بردن کیفیت ویزیت بیماران به جریان افتاد. در این میان تاکید بسیار بر قطع رابطه پولی بین پزشک و بیمار و دریافت زیر میزی شد. برای این کار به تجدید نظر در کتاب تعرفه های پزشکی که مبنای آن "کتاب تعرفه کالیفرنیا" بود، روی آوردند و ضمن روزآمد کردن (بخوانیم گران کردن) آنها، ۱۷۰۰ مورد خدمات جدید هم تعریف و به کتاب اضافه شد. آن وقت به بهانه نگاه داشتن تمام وقت پزشکان متخصص و فوق تخصص در بیمارستان دولتی و رسیدگی

به وضع بیماران، از محل بودجه فراوان تخصیص داده شده اقدام به پرداخت کارانه های ۱۰ تا ۱۵ برابر کارانه های قبلی که خود بالغ بر چندین میلیون تومان در ماه می شد، به این اشخاص نمودند. اما این کار به صورتی عادلانه در جهت تامین منافع سایر گروههای بهداشتی و درمانی صورت نگرفت و حتی کار تدوین کتاب مشابه در تعرفه های خدمات پرستاری که از ۸ سال پیش قرار به انجامش بود، همچنان معلق ماند. به جای توجه به تیم درمان که شامل پزشکان عمومی، پرستاران، و پیراپزشکان (کارشناسان و تکنسینهای اتاق عمل، تصویربرداری، آزمایشگاه، فیزیوتراپی، مددکاری و...) می شوند، تنها و تنها جانب پزشکان و تخصص را گرفتند و این وزارتخانه دولتی را طبقاتی کردند. در این راستا هیچ اقدامی در جهت عمل به وعده استخدام و اشتغال پرستاران که از دوره احمدی نژاد شروع شد و یا افزایش حقوق و اصلاح کارانه پرستاران و سایر پیراپزشکان صورت نگرفت. تنها دستاورد این بخش از فاز دوم این بود که متخصصان که حالا دیگر از بابت دریافتیهای نجومی و پشتوانه مالی اطمینان خاطر یافته و البته به موازات آن نظارتی هم بر حضور و عملکرد آنها نیست (که قاعدتاً باید باشد)، کمتر از گذشته در بخشها حضور دارند و حتی بعضی وظایف قانونی خود از قبیل نوشتن نسخه دارویی، درخواستهای پاراکلینیک و برگه های مشاوره را در شان خود نمی دانند و این کارها را به منشی بخشها و پرستاران حواله می کنند و سایر کادر درمان را گماشته و مملوک خود تصور می کنند. در این میان حساب پزشکیانی که به دلیل ویژگیهای تربیتی شخصی واجد صلاحیت اخلاقی و احساس تعهد حرفه ای و روحیه همکاری هستند، جداست.

در حال حاضر خبری از ماندگاری پزشک در مناطق محروم نیست و حتی "طرح پزشک خانواده" که با هزینه و دردسر فراوان طی ۱۰ سال گذشته در چند استان به صورت آزمایشی انجام شده و آماده اجرای سراسری بود، به طور ناگهانی مسکوت و معلق شده است. درباره کیفیت ویزیت بیماران در مراکز دولتی هم بهتر است فعلاً حرفی نزنیم!

جالب این که در ادعای قطع رابطه پولی بین پزشک و بیمار، هیچ ساز و کار و مکانیزم مشخصی ارایه نشده است. بسیاری از متخصصان مراکز دولتی، سهام داران بیمارستانهای خصوصی هستند و در ساعات آزاد خود اقدام به ویزیت و پذیرش بیماران به طور خصوصی می کنند. آنها برای بقا و سودآوری مراکز مطبوع خود مجبور به دریافت پول از بیماران هستند. حسن هاشمی چگونه می خواهد جلوی این وضع را بگیرد؟

وزیر هم از قماش کسانی است که گرچه در گذشته جزو طبقات محروم و زحمتکش محسوب می شدند، اما در جایی که آگاهی طبقاتی و به تبع آن مسوولیت طبقاتی و اجتماعی نباشد و شخص در دامن پول و سرمایه بیفتد، سر از لژ بورژوازی نانجیب و نوکیسه در می آورد و اینجاست که دیگر تعلق به طبقه محروم لزوماً سازنده و مایه فضیلتی نیست.

وزیری که در دوران دانشجویی و دستیاری با دوچرخه به بیمارستان آموزشی رفت و آمد می کرد، به مرور و با گرایش سیاسی خود جایی را در حلقه های برگزیده حاکمیت در دانشگاه و هیات علمی باز کرد و با رانت و تبلیغ گسترده، خود را به عنوان چشم پزشکی معروف مطرح کرد (گرچه مهارت حرفه ای اش انکار نمی شود). او خود از پیشروان و بانیان مراکز چشم پزشکی خصوصی در ایران است که در دو دهه گذشته رشدی قارچ گونه، بی توجیه و بی تناسب با جمعیت ایران داشته اند و البته اکثر آنها در تهران تمرکز یافته اند و به شهرها و مناطق محروم از تجهیزات پیشرفته چشم پزشکی دهان کجی می کنند. آیا هاشمی حاضر و یا ملزم به قطع رابطه پولی با بیمار خود، ترک یا تعطیل مراکز خصوصی محل فعالیت خود و اقامت دایم در بیمارستان دولتی می شود؟

در حالی که رابطه مالی بین پزشک و بیمار رابطه درستی نیست، اما معلوم نیست چرا باید یک وزارتخانه با توجه به گستره وظایف خود چنین مساله ای را در اولویت کاری اش قرار دهد؟ در جایی که بیماری همه گیری چون ایدز و بیماریهای غیر واگیر چون قلب و عروق، سرطان، دیابت، چاقی، سالمندی، آلرژی و آلودگیهای محیطی، حوادث جاده ای، حوادث شغلی و طب کار، بهداشت محیط، بهداشت روان جزو معضلات حل نشده و رو به گسترش یک کشور هستند، چرا باید قسمت زیادی از بودجه دولتی که تازه آن هم از گوی طبقات محروم یارانه بگیر نیازمند خدمات سلامت بیرون آورده شده، صرف اقلان و ارضای یک قشر متخصص شود تا در بین خود به مسابقه خرید ویلا و خودرو و در جامعه به نمایش انباشت ثروت بپردازند؟

فاز سوم طرح ارتقای سلامت

اهداف این مرحله ادامه و تکمیل ارزش گذاری خدمات، بهبود هتلینگ در بیمارستانهای دولتی و بهبود وضع تجهیزات پزشکی و اماکن بیمارستانی تعیین شده است. در زمینه وضعیت فعلی تختهای بیمارستانی آمار زیر از زبان خود کارگزاران وزارت بهداشت نقل می شود: داوود دانش جعفری، مشاور عالی وزیر بهداشت، از وجود ۸۰ هزار تخت بیمارستانی فرسوده و قدیمی در کشور خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، کمبود تخت بیمارستانی به خصوص در بخش دولتی، از جمله معضلات پیش روی وزارت بهداشت و نظام سلامت کشور است که شاید، کمبود منابع مالی، مهمترین علت ماندگاری این وضعیت ناخوشایند باشد. این در حالی است که بیشترین حجم مراجعات بیماران به بیمارستانهای دولتی است و طبق آمارهای وزارت بهداشت، ۸۰ درصد بستریها مربوط به بخش دولتی است. در عین حال، فرسودگی تخت بیمارستانی و از رده خارج شدن آنها، باعث شده تا وضعیت تختهای بیمارستانی در بخش دولتی چندان رضایت بخش نباشد.

و حالا نظر وزیر در مورد ساخت بیمارستانهای کوچک و کم تخت در شهرها و مناطق نیازمند: وزیر بهداشت تاسیس بیمارستانهای کوچک مثلا ۵۰ تختخوابی را به صرفه و به صلاح نمی داند، اما همزمان از تاسیس بیمارستانهای زنجیره ای و شرکتهای هولدینگ درمانی دم می زند و از مشارکت بخش خصوصی در جهت رونق اقتصاد سلامت و کاستن از بار هزینه های دولت در این زمینه دفاع می کند. شاید منظور وزیر از بخش خصوصی، قرارگاه خاتم، آستان قدس رضوی، بنیاد جانبازان و... است!

گرچه مطالعات جمعیت شناسی و توجه به توزیع و پراکندگی جغرافیایی جمعیتی عاقلانه و در مدیریت سیستمهای بهداشتی درمانی موجه بنظر می رسد، اما با توجه به پس زمینه پایین سطح بهداشت اولیه (تغذیه، بهداشت محیط، آلودگی آبها و هوا و پدیده های نوظهوری چون ریزگرد که خود ناشی از نابودی پوشش گیاهی و حیات وحش و خشک شدن دریاچه ها و آبهای سطحی است که خود اینها سبب ساز شیوع بیماریهای واگیر (آنفلوآنزا) و غیر واگیر (آلرژیها و بیماریهای قلبی و تنفسی) می باشد که همه از برکت سر حکومت متبوع آقای وزیر به این سرزمین به ارمغان آورده شده است، احداث بیمارستانهای منطقه ای چندان هم بی صرفه نیست، چون ضمن برآوردن نیازهای بهداشتی و درمانی منطقه، باعث اقامت پزشک در این مناطق (که این همه سنگ آن را به سینه می زنند) و اشتغال گروه گسترده ای از پیشه وران سلامت جویای کار می شود، عدالت توزیعی خدمات سلامت برقرار می شود و میزان و هزینه اقامت بیمار و همراهان اش در شهرهای بزرگ را کاهش می دهد. اگر دولت روحانی و وزیر بهداشت اش واقعا به فکر کاهش هزینه های سلامت از جیب مردم اند، بیمارستانهای منطقه ای وسیله ی خوبی برای این هدف به شمار می آیند.

تجهیزات پیشرفته پاراکلینیک مثل آزمایشگاههای ژنتیک و پاتولوژی و تصویربرداری مثل سی تی اسکن و ام آر آی و تشخیص هسته ای هم به طور عمده در شهرهای بزرگ به ویژه تهران متمرکز اند و بسیاری مواقع که پای بیمار برای یک امر تشخیصی به این شهرها باز شد، معمولا ترجیح می دهد که سیر درمان را هم در همان شهرها انجام دهد. نتیجه این که بیمارستانهای دولتی و خصوصی شهرهای بزرگ از دردمندان مناطق دور و محروم سرریز می شود.

برآیند

مشاهده ی سمت و سوی برنامه های طرح تحول سلامت و واکاوی مکانیزمهای اجرای آنها، تا آنجا پرده از ماهیت لیبرالی و ضد مردمی این برنامه ها کنار می زند که حتی داد پاره ای از نهادهای حکومتی مرتبط یا نامرتبط با نظام سلامت از جمله بعضی نمایندگان مجلس و "بسیج دانشجویی" را هم در می آورد و آنها را به صرافت دلوپسی و انتقاد از طبقاتی شدن سیستم بهداشت و درمان و محصول آن یعنی خدمات سلامت می اندازد. اما گویا سنبه پرزور تر از اینها ست و در پس اراده مصمم "دولت تدبیر و امید" در ایجاد تحول در سلامت، کسانی هستند که منافع شان با برنامه های تحول گره خورده و جام سلامت در دست، به مخاطب دلوپس می گویند: به تو چه!

زنان در مسیر رهایی

سپیده سرشار

هنرهای گرافیکی برای بیان مشکلات زنان افغان

با همکاری یک موسسه آلمانی، عده ای از زنان افغان نمایشگاهی با نام "هنرهای گرافیکی زنان" در شهر هرات برگزار کرده اند. این نمایشگاه با هدف بیان مشکلات زنان افغان ترتیب داده شده است. افزون بر موسسه "هلپ" آلمان، موسسه "چکاد" افغانستان نیز در نمایش بیش از ۵۰ اثر از "هنرهای گرافیکی زنان" همکاری کرده است.

از جمله هنرهای به نمایش گذاشته شده، صنایع دستی زنان افغانستان است که گفته می شود راهی برای مقابله با خشونت خانگی خواهد بود.

فعالان حقوق مدنی زنان در کنفرانسی که بدین مناسبت برگزار شد، خواستار تخصیص بودجه مشخص از سوی دولت افغانستان شدند. آنها گفتند که دولت باید از اشتغال و صنایع دستی زنان افغان پشتیبانی کند.

آداب و رسوم و همچنین نگاه مردسالارانه از جمله موانع اصلی حاکم بر فعالیتهای اقتصادی و اشتغال زنان در افغانستان به شمار می آید. زنان شرکت کننده در این نمایشگاه تاکید کردند که باید تلاش بیشتری برای تغییر دیدگاه خانواده ها نسبت به کار زنان صورت گیرد.

براساس اظهارات شماری از زنان شاغل افغانی، آن دسته از زنانی که فاقد تحصیلات عالی هستند، معمولاً در هنگام کار با مشکل روبرو می شوند. آنها تاکید کردند که برای افزایش اشتغال زنان در افغانستان، می بایست امکانات تحصیلی نیز برای دختران و زنان در این کشور فراهم آید.

شرایط اسف بار زنان کارتن خواب



زهره طبیب زاده نوری، یک نماینده مجلس ارتجاع در گفت و گو با منبع موسوم به "فارس" با اشاره به طرح ساماندهی زنان کارتن خواب گفت: "متأسفانه اماکنی که در تهران به این موضوع اختصاص داشت، به دلیل استاندارد نبودن قابل استفاده نیست." وی گفت: "بنده در بازدیدی که از یکی از این کمپهای نگهداری داشتم، شاهد بودم که متأسفانه اصلاً شرایط مناسبی نداشت، این محل در اختیار بخش خصوصی بود اما به هیچ وجه

شرایط استاندارد و اصولی را نداشت و متأسفانه به محلی برای کارهای خلاف عرف و شرع تبدیل شده بود." طبیب زاده ادامه داد: "گزارش این مرکز را به بهزیستی و نیروی انتظامی غرب کشور ارایه دادم و امیدوارم هر چه سریع تر این اقدام عملیاتی شود و زنان کارتن خواب ساماندهی شوند."

این نماینده مجلس که انتظار مکان مناسب تری برای کارتن خوابها دارد، اشاره ای به این امر ندارد که فکری باید به حال ریشه کنی فقر و بی خانمانی در کشور کرد.

رابطه آسیبهای دختران جوان با نحوه پوشش

فاطمه پهلوانی، دبیر کار گروه دختران و معاونت امور زنان و خانواده به "فارس" می گوید: "هم اکنون بر اساس مطالعاتی که انجام شده، اولین آسیب در حوزه دختران که به صورت جدی نیازمند توجه ویژه است، مساله بحران هویت است که نمونه های این بحران در نحوه پوشش و ظاهر تعدادی از دختران جامعه متأسفانه خودنمایی می کند." وی می افزاید: "نحوه پوشش افراد معمولاً پیامهایی را برای مسوولان دارد و افرادی که در محیط کار و یا حتی محیطهای خانوادگی خود به خوبی دیده نمی شوند، با اظهار وجود خود در سطح جامعه سعی دارند کمبودهای خود را جبران کنند."



مدال افتخار سازمان عفو بین الملل به روزنامه نگار زن سودانی

سازمان عفو بین الملل طی یک ضیافت به "انم آمال خلیفه هبانی"، روزنامه نگار و فعال سودانی به خاطر دفاع از حقوق زنان مدال افتخار اهدا کرد. این جایزه هر سال به زنانی داده می شود که زندگی خود را در دفاع از حقوق زنان و کودکان در معرض خطر قرار می دهند.

نوشته های خانم هبانی به خاطر انتقاد از قوانین سودان به دستگیری و زندانی شدن وی انجامیده است.

خانم هبانی هنگام دریافت این تقدیر نامه گفت: "با این جایزه به من این احساس داده می شود که مبارزه ما برای احقاق حقوق بشر در سودان مورد حمایت جهانی است و توسط جنبش جهانی حقوق بشر استقبال می شود. ما نباید بهراسیم، زیرا کسانی هستند که از ما حمایت می کنند."

جایزه "جینتا یاگان" همه ساله از سوی سازمان عفو بین الملل به زنان مدافع حقوق بشر در سراسر جهان اهدا می شود

مشاور روحانی در امور زنان: نمایش زنان با روبنده اشتباه بود



چند ماه پیش برنامه "زنده باد زندگی" شبکه دوم تلویزیون دولتی با خانواده آخوندی مصاحبه کرد که زنان مصاحبه شونده با روبنده در این برنامه حاضر شدند. این برنامه به طور غیر معمولی به صورت سیاه و سفید پخش شد. اکنون پس از اعتراضات گسترده، پروین سلیحی، مشاور امور زنان و خانواده روحانی به "ایلنا" می گوید که "نمایش زنان با روبنده اشتباه بود".

وی در ادامه می گوید: "همانطور که به دلیل برخی

ضوابط، زن بدحجاب را در تلویزیون نشان نمی دهیم، از طرف دیگر هم اعتدال را رعایت می کنیم. در تمامی این سالها تنها یک مورد به این شکل پیش آمده است."

در برنامه "زنده باد زندگی"، فردی به نام محمد صادقی به همراه همسرش زینب طیبیان، دخترش زهرا صادقی و همسر او مجتبی محمدی شرکت کردند. سه نفر دیگر هم که طلبه بودند و چند فرزند کوچک آنها نیز حضور داشتند. زینب طیبیان و زهرا صادقی در این برنامه با روبنده حاضر شدند.

خانم طیبیان در این برنامه گفت از آنجا که باید از پیامبر اسلام و خاندان او الگو گرفت، از روبنده استفاده می کند. او همچنین گفت که تحقیقات پزشکی نشان داده که حجاب به جوان ماندن زنان کمک می کند، چرا که "از چشم مردان نامحرم اشعه ای ساطع می شود که پیری زودرس می آورد".

خانم طیبیان گفت اصراری ندارد که همه پوششی مانند او داشته باشند و گفت حتی دخترش هم حدود دو سال است که با انتخاب خودش روبنده می گذارد. صادقی نیز مدعی شد، استفاده از روبنده در حال گسترش است.



گامهای بلند تونس برای پایان دادن به خشونت جنسی

نماینده سازمان عفو بین الملل که به تازگی به تونس فرستاده شده می گوید: "من به تونس سفر کردم تا طومار ۱۹۸ هزار از تن از اعضای سازمان عفو بین الملل را به مقامهای این کشور در مورد پایان بخشیدن به خشونت جنسی علیه زنان ارایه دهم." در این کنفرانس که چندین تن از فعالان سازمان عفو بین الملل و نمایندگان دیگر سازمانهای مدافع حقوق بشر حضور داشتند، آقای "محمد صالح بن عمار"، وزیر بهداشت و سلامت تونس حضور داشت. وی قول داد که در بیمارستان "چارلز نیکل" بخش ویژه ای برای زنانی که مورد خشونت قرار می گیرند تدارک دیده شود. وی همچنین گفت این تسهیلات به طور مجانی در اختیار زنان قرار خواهد گرفت.

جمهوری دومینیکن در قانون سقط جنین تجدید نظر می کند

پس از آنکه رییس جمهور دومینیکن از قانونگذاران این کشور خواست که در قوانین سقط جنین تسهیلاتی را مقرر کنند، مجلس سنا به رفورم در قوانین دست زد. از این پس، سقط جنین که در این کشور کاملاً غیر قانونی بود، تحت شرایطی امکان پذیر خواهد بود. شرایط تعیین شده شامل در خطر بودن جان مادر هنگام بارداری، زمانی که نطفه نمی تواند زنده بماند و یا بارداری در اثر تجاوز می باشد.

اگر چه این تصمیم مورد استقبال بسیاری از جوامع مدنی و گروههای زنان واقع شد، اما توسط برخی از جمله کلیسای کاتولیک و گروههای ممتاز مورد مخالفت قرار گرفت. برخی از این گروهها گفتند که برای تجدید نظر و لغو چنین قانونی اقدام خواهند کرد.

اجبار به تست بکارت برای متقاضیان پلیس زن در اندونزی

زنانی که خواهان شغل پلیس در کشور اندونزی هستند، افزوده بر اینکه مورد آزمایشهای فیزیکی قرار می گیرند تا ثابت کنند دارای سلامتی جسمی هستند، همچنین باید تست بکارت دهند. زنان متقاضی باید ثابت کنند که به لحاظ اخلاقی نیز سالم هستند. بسیاری از زنان در این کشور این امر را نقض حقوق زنان خوانده و بدان اعتراض کرده اند. شایان توجه است که مردان مجبور نیستند تن به آزمایشاتی از این قبیل دهند، استدلال نیز چنین است که در کشور محافظه کار و مذهبی ضوابط حکم می کند که زنان باید با اثبات "پاکدامنی"، سلامت اخلاقی خود را نیز به اثبات برسانند.

حضور همسر مقام مذهبی سعودی بدون روبنده در تلویزیون

"احمد بن قاسم الغامدی"، رییس پیشین هیات امر به معروف و نهی از منکر در مکه با حضور خود و همسرش در یک برنامه تلویزیونی چالش برانگیخت. همسر وی در این برنامه بدون روبنده که پوشیدن آن برای زنان در عربستان الزامی است و با آرایش ظاهر شد. موضوع محوری برنامه مزبور "جایز بودن نمایان شدن صورت زنان" بود.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، الغامدی در این راستا اظهار داشته که پیامبر اسلام به زنان امر نکرده که چهره خود را بپوشانند. رییس پیشین هیات امر به معروف و نهی از منکر در مکه همچنین استفاده زنان از محصولات آرایشی را مجاز دانسته است.

این رویداد سبب بحث و مشاجره شده و حتی تهدیداتی را در شبکه های اجتماعی به همراه داشته است. یکی از معترضان خطاب به الغامدی در شبکه توئیتر نوشت: "خیالت راحت شد؟ حال تصویر همسرت در هر موبایلی ضبط شده است." همسر وی نیز در این گفت و گوی تلویزیونی اظهار داشته که فرزندان شان به دلیل نظرات او و شوهرش در مدرسه با مشکلاتی روبرو شده اند.

محاکمه دو راننده زن عربستانی در دادگاه ویژه تروریسم

دو زن شهروند عربستان سعودی که حدود یکماه پیش به خاطر سرپیچی از ممنوعیت رانندگی زنان به زندان افتادند، روز پنجشنبه ۲۵ دسامبر به دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم مرتبط با تروریسم ارجاع داده شده اند. دادگاه ویژه جرایم تروریستی در ریاض، "دادگاه مجرمان حرفه ای" خوانده می شود. عربستان تاکنون چندین بار فعالان سیاسی خود را در این دادگاه محاکمه کرده است.

بنا به اطلاع نزدیکان این دو فرد، اتهام "الجین الهذلول"، ۲۵ ساله و "میسا العبودی"، ۳۳ ساله نه رانندگی، بلکه نشر عقاید مخالف در اینترنت اعلام شده است. بنا به گزارش اسوشیتدپرس، نزدیکان دو متهم به دلیل حساسیت پرونده از ذکر جزئیات بیشتر خودداری کرده اند و همگی به دلیل هراس از واکنش حکومت، خواستار عدم انتشار نام خود بوده اند. زنان در عربستان سعودی برای کسب حق آزاد رانندگی بارها کمپینهای اعتراضی تشکیل داده اند.

حمایت اوباما از روزنامه نگاران زن

در یک کنفرانس مطبوعاتی، رییس جمهور آمریکا به هشت پرسش پاسخ داد که همگی از جانب زنان مطرح شده بود. به نوشته "گاردین"، با این حساب می توان نتیجه گرفت که سال ۲۰۱۴ برای زنان روزنامه نگار سیاسی نويس، سال خوبی بوده است، چرا که هر ۸ پرسشی که آقای اوباما در نشست مطبوعاتی پاسخ داده، توسط زنان مطرح شده است.



برخی از پرسشهای خانمهای روزنامه نگار از رییس جمهوری درباره هکرهای شرکت "سونی پیکچرز"، تصمیم برای عادی سازی مناسبات با کوبا و همچنین برخوردهای نژادی در ایالات متحده بوده است. رسانه های اجتماعی هم به شتاب دست به کار شدند و در این باره اظهار نظر کردند. یکی از آن آقایان در پیامی در توئیتر نوشت: "پرزیدنت اوباما در نشست خبری امروز هیچ گزارشگر تلویزیونی مرد را فرا نخواند، همه آنان از زنها بودند." شخص دیگری به طعنه نوشت: "در سال ۲۰۱۵ فقط زنان وارد سالن کنفرانس خبری خواهند شد."

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در دی ۱۳۹۳

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۵۲ حرکت اعتراضی به اضافه دهها اعتصاب معلمان در سراسر کشور

*روز شنبه ۶ دی اعتصاب کارگران کاشی گیلانا پس از ۹۵ روز خاتمه یافت. به گزارش ایلنا، سرانجام در روز شنبه ۲۹ آذر کارگران به اعتراض ۹۵ روزه خود خاتمه دادند و فعالیت کارخانه کاشی گیلانا از سر گرفته شد. براساس جلسه ای که در تاریخ ۲۶ آذر با حضور هشت تن از کارگران کاشی گیلانا در اداره صنعت، معدن و تجارت استان گیلان برگزار شد، رسولی کارفرمای سابق کارخانه و دارنده حدود ۵۲ درصد از سهام کارخانه بار دیگر مدیریت این واحد را بر عهده گرفت.

*روز چهارشنبه ۳ دی، نزدیک به ۹۰۰ کارگر واگن پارس اراک در اعتراض به خودداری کارفرما از تمدید قرارداد کار رئیس نهاد کارگری این واحد تولیدی دست از کار کشیده و تولید را متوقف کردند. به گزارش ایلنا، کارفرما در ادامه تغییرات خود به تازگی مدیر انتظامات واگن پارس را با وجود آن که دو ماه به پایان قرارداد کارش باقی مانده از کار منفع کرده و یک نظامی بازنشسته را جایگزین او کرده است. روز پنجشنبه ۴ دی این حرکت اعتراضی ادامه پیدا کرد.

*جمعی از کارگران کارخانه قند قهستان به همراه خانواده های خود در اعتراض به تعطیلی این واحد تولیدی و بیکارشدشان، همزمان با سفر روحانی به استان خراسان جنوبی، در روز چهارشنبه ۳ دی در حین سخنرانی حسن روحانی وارد استادیوم شدند. به گزارش خاورستان، مدتهاست این کارخانه تعطیل و در حال حاضر بیش از ۳۰۰ کارگر این کارخانه بیش از ۳ ماه است که خانه نشین شده اند.

*کارگران معدن کوشک در روز پنجشنبه ۴ دی به اداره کار بافق مراجعه و همزمان با جلسه وکیل آنان با رئیس اداره کار، اقدام به تجمع اعتراضی کردند. به گزارش بافق پویا، وضعیت کارگران این معدن وارد فاز جدیدی شده و بین کارگران سخن از سفر به تهران است.

*روز شنبه ۶ دی، تعدادی از کارگران کارخانه واگن پارس اراک در اعتراض به تصمیم قرارگاه خاتم‌الاولیا در خیابان مجاور این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، علاوه بر این تجمع، صدها تن از دیگر کارگران کارخانه هم دست از کار کشیدند. نماینده قرارگاه خاتم‌الاولیای سپاه پاسداران، سهامدار عمده واگن پارس، روز پنجشنبه ۴ دی در جمع کارگران اعتصابی حاضر و با تهدید گفت؛ عدم تمدید قرارداد نماینده کارگران با نظر این قرارگاه صورت گرفته است. به گزارش ایلنا، دو مقام مسئول همزمان با تجمع امروز کارگران به کارخانه آمدند و با کارفرما مذاکره کردند. دهها مامور نظارتی صبح روز یکشنبه ۷ دی، در چهارمین روز حرکت اعتراضی کارگران واگن پارس وارد این کارخانه شدند.

با ادامه اعتراض کارگران، معاون سیاسی امنیتی استاندار مرکزی، صبح دوشنبه ۸ دی اعلام کرد که پس از رایزنیهای روز گذشته در محل فرمانداری اراک، قرار شد حکم اخراج رئیس نهاد صنفی کارگران کارخانه واگن پارس لغو شود.

*صبح روز شنبه ۶ دی جمعی از کارگران معدن «طلای آق دره» در استان آذربایجان غربی در اعتراض به تصمیم کارفرما در خصوص اخراج ۳۵۰ تن از همکارانشان در داخل محوطه این معدن تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در تجمع، گفت: تا پیش از این معدن طلای پویا زرکان آق دره ۵۵۰ کارگر داشت. معدن طلای آق دره در ۲۵ کیلومتری شهرستان تکاب قرار دارد و از چند معدن مهم استخراج طلا در کشور است.

*جمعی از کارگران کارخانه ُ پارسیلون خرم آباد که مشمول قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور هستند صبح روز یکشنبه ۷ دی در اعتراض به پرداخت نشدن حق بیمه ویژه ی کارهای سخت و زیان آور، در مقابل اداره تامین اجتماعی خرم آباد تجمع کردند. به گزارش ایلنا، نزدیک به ۸۰ تن از کارگران کارخانه ُ پارسیلون که دارای مشاغل سخت و زیان آور و در مرحله ُ بازنشستگی قرار دارند، به دلیل پرداخت نشدن ۴ درصد حق بیمه ُ ای که کارفرما ملزم به پرداخت آن است هنوز تکلیف آنها مشخص نیست.

*صبح روز یکشنبه ۷ دی، حدود ۵۰ تن از کارگران فصلی کارخانه قند فسا در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای چند ماه گذشته خود، مقابل فرمانداری ویژه فسا تجمع کردند. به گزارش سلام فسا، معترضان با انتقاد از هیات مدیره جدید کارخانه قند فسا، از فرماندار و مسئولان ارشد شهرستان مطالبه حقوق پرداخت نشده خود را درخواست کردند.

*تعدادی از کارگران معادن زغال سنگ البرز مرکزی در روز دوشنبه ۸ دی با تجمع مقابل فرمانداری شهرستان سواد کوه خواستار تعیین تکلیف مطالبات خود شدند. به گزارش فارس، کارگران خواستار اختصاص مبلغ مورد نظر ماده قانونی مشاغل سخت و زیان آور و اجرای قانون هماهنگ پرداخت هستند.

*کارگران اخراجی فولاد آذربایجان پس از سه روز تجمع در مقابل کارخانه در روز دوشنبه ۸ دی به طور مشروط مشغول کار شدند. به گزارش ایلنا، حدود ۴۰ کارگر پیمانی فولاد آذربایجان در پایان آذر ماه، همزمان با واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی، در پی اتمام قرارداد کارشان اخراج شدند. کارفرما انعقاد قرارداد جدید با کارگران اخراجی را به جواب معاینات طب سنتی و آزمایشات خون، ادار، ریه، قلب، چشم، گوش و... منوط کرده است.

*روز سه شنبه ۹ دی جمعی از کارگران فصلی کارخانه قند فسا در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای چند ماه گذشته خود، مقابل دفتر امام جمعه تجمع کردند. به گزارش سلام فسا، کارگران خواهان پاسخگویی فرماندار و مسئولان به وضعیت نامطلوب حقوق و مزایا خود شدند.

*تعدادی از کارخانه پارس خودرو از روز یکشنبه ۷ دی در اقدامی اعتراضی برای خوردن وعده های غذایی نهار و شام در رستوران کارخانه حاضر نشدند. به گزارش ایلنا این حرکت اعتراضی در روزهای دوشنبه ۸ و سه شنبه ۹ دی ادامه یافت. کارگران می گویند دلیل این اقدام اعتراضی، بی تفاوتی کارفرما به درخواست بازبینی دستمزدها است.

*روز سه شنبه ۹ دی نزدیک به ۲۵۰ تن از کارگران سایت صنعتی معدن چادرملو در اعتراض به کاهش شدید کارانه ها در محل کارخانه تحصن کردند.

به گزارش ایلنا، این تجمع اعتراضی به صورت همزمان توسط کارگران خط کوه نیز انجام شد که طی آن کارگران این بخش نیز برای چند ساعتی دست از کار کشیدند.

*عصر روز سه شنبه ۹ دی مدیر عامل معدن البرز مرکزی به صورت علی الحساب ۲۴۰ میلیون تومان به شرکت هلدینگ سامان واگذار کرد تا حداقل بخشی از مطالبات کارگران را (حدود ۲۰۰ هزار تومان) پرداخت کند. به همین دلیل کارگران از صبح روز بعد موقتاً به اعتراض صنفی خود خاتمه دادند.

به گزارش ایلنا، اعتراض صنفی ۱۲۰۰ تن از کارگران این واحد معدنی که از روز شنبه ۶ دی آغاز و تا ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۱۰ دی خاتمه یافت، در واکنش به عملی نشدن وعده کارفرما در پرداخت ما به التفاوت مزد ناشی از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بوده است. کارگران این معدن زیر نظر ۱۱ شرکت پیمانکاری کار می‌کنند که تمامی این پیمانکاران تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری هلدینگ «سامان» در معادن البرز مرکزی فعالیت دارند.

*جمعی از کشاورزان روستای زیارت مولا در میناب در روز چهارشنبه ۱۰ دی با تجمع مقابل ایستگاه پمپاژ آب در تیرور مراتب اعتراض خود را نسبت به قطع سهمیه آب کشاورزی خود اعلام کردند. به گزارش فارس، دو هزار و ۸۰۰ هکتار از زمینهای این منطقه زیر کشت بادمجان، پیاز و فلفل است و کشاورزان می‌گویند؛ دولت از یک سو سنگ حمایت از کشاورز را به سینه می‌زند و از سویی برخیزد با این گونه اقدامات ضربه سنگین و جبران ناپذیری را به این قشر وارد می‌کنند.

*جمعی از صاحبان مسکن مهر پردیس و پرند در روز یکشنبه ۱۴ دی در اعتراض به اقدام دولت مبنی بر درخواست پرداخت ۱۲ میلیون تومان از افراد برای ارایه این مسکنها به مالکان، مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری مجلس، در حالی که دولت باید اکنون مسکنها را به صاحبان شان تحویل دهد، درخواست ۱۲ میلیون تومان اضافه برای تحویل مسکنها کرده است.

*بیش از ۶۰۰ تن از کارگران شرکت سابیر که در پروژه سدسازی نیروگاه چم شیر گچساران مشغول به کارند از بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۴ دی به عنوان اعتراض به تغییر در نحوه محاسبات دستمزد خود، دست از کار کشیدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارفرمای شرکت سابیر در این پروژه ظاهراً به منظور کاهش سهم خود در پرداخت مالیات، بخشی از دستمزد توافق شده کارکنان را از فیش حقوقی آنان برداشته و هر سه ماه یکبار مبالغ برداشته شده را تحت عنوان «مزایای انگیزشی» به کارکنان برمی‌گرداند.

*کارگران کارخانه واگن پارس اراک صبح روز چهارشنبه ۱۰ دی، در هفتمین روز حرکت اعتراضی شان، مقابل ساختمان اداری کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران واگن پارس در این تجمع اعتراضی با سر دادن شعار، خواستار بازگشت به کار رئیس اخراجی نهاد کارگری این واحد تولیدی شدند.

روز شنبه ۱۳ دی در نهمین روز اعتصاب کارگران، قرارگاه خاتم الاوصیاء اعلام کرد که اجازه بازگشت به کار رئیس حراست و شورای اسلامی کار کارخانه واگن پارس اراک را نمی‌دهد. در نهمین روز اعتصاب کارگران واگن پارس، شبنامه هایی علیه کارگران معترض پخش شد.

روز یکشنبه ۱۴ دی کارگران در خیابان مجاور کارخانه تجمع و راهپیمایی کردند. روز دوشنبه ۱۵ دی، اعضای شورای اسلامی کار کارخانه واگن پارس اراک، خواستار پایان دادن به اعتراضات برای نشان دادن حسن نیت خود به مقامهای محلی، کارفرما و قرارگاه خاتم الاوصیاء شدند.

*بیش از ۴۰۰ تن از رانندگان شرکت واحد ظهر روز سه شنبه ۱۶ دی در مقابل شهرداری تهران تجمع کردند. به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر، این کارگران به وضعیت تعاونی مسکن اعتراض کردند. به گزارش اکسیون پرس، کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه بارها برای دریافت حقوق معوقه و تحقق سایر درخواستهای خود به اعتصاب دست زده اند.



*تعدادی از کارگران شرکت کشت و صنعت بهکده رضوی در اعتراض به عدم دریافت حقوق و واریز حق بیمه در روز سه شنبه ۱۶ دی در مقابل استانداری خراسان شمالی تجمع کردند. به گزارش مهر، این کارگران پلاکاردهایی با مضمون عدم دریافت حقوق به مدت ۱۰ ماه، عدم واریز حق بیمه به مدت پنج ماه، وضعیت نامناسب معیشت، مهاجرت از روستای بهکده رضوی، بلا تکلیفی کارگران و ... در دست داشتند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود از سوی استانداری بودند.

*کارگران کارخانه سها سرام در روز سه شنبه ۱۶ دی در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و بیش از یک سال بیمه، در مقابل فرمانداری یزد دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران این کارخانه در یک ماهه گذشته دو بار در برابر فرمانداری یزد تجمع کرده اند تا به مطالبات شان رسیدگی شود.

*بیش از ۱۰۰ تن از کارگران بخشهای مختلف معدن زغال سنگ سنگرود (البرز غربی) از صبح روز چهارشنبه ۱۷ دی دست از کار کشیده و در یکی از تونلهای این معدن دست به تحصن زدند. به گزارش ایلنا، کارگران اعتصاب کننده می گویند به دلیل عملی نشدن وعده های داده شده می خواهند خود را در معدن حبس کنند. یکی از کارگران درباره این مشکلات و در نهایت اعتصاب صنفی کارگران گفت: دیگر خسته شده ایم. نزدیک به ۸ ماه حقوق طلبکاریم، بیشتر کارگران این معدن تا یک دو سال آینده بازنشسته می شوند و هنوز مشکل بیمه ای شان حل نشده است.

تحصن کارگران معدن سنگرود در عمق زمین در ساعت ۳ بامداد روز پنجشنبه ۱۸ دی با دخالت ماموران امنیتی و انتظامی موقتاً خاتمه یافت و کارگران بعد از سپری کردن یک روز در عمق زمین راهی خانه های شان شدند. کارگران در روز پنجشنبه ۵ ماه از معوقات حقوقی شان را دریافت کردند.

*صبح روز چهارشنبه ۱۷ دی، کارگران ایران تایر در اعتراض به شرایط تبعیض آمیز در کارخانه و بکارگیری کارگران با چهار شیوه مختلف و اعتراض به ایجاد تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار دست به تجمع در مقابل مجلس زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در این تجمع کارگران ایران تایر در قالب سه الی چهار کارگر از هر قسمت کارخانه به عنوان نماینده های کارگران پیمانکاری این کارخانه تجمع کرده بودند.

*صبح روز چهارشنبه ۱۷ دی، ۵۰۰ تن از کارگران برق منطقه ای در مقابل مجلس اعتراضی کردند. کارگران خواهان تبدیل قرار دادهای خود به قرار داد رسمی بودند. به گزارش ایلنا، این کارگران که از سراسر کشور و به نمایندگی از حدود ۵ هزار تن از همکاران شان به تهران سفر کرده اند، خواستار استخدام رسمی در شرکتهای برق منطقه ای هستند.

گفتنی است کارگران معترض در پستهای انتقال برق فشار قوی و زیر نظر شرکتهای برق منطقه ای وزارت نیرو مشغول به کار هستند.

*صبح روز شنبه ۲۰ دی، کارگران نورد لوله صفا با تجمع در مقابل کارخانه و بر افروختن آتش دست به اعتراض زدند و خواهان پرداخت ۴ ماه دستمزد معوقه خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این تجمع اعتراضی به دنبال آن صورت می گیرد که پس از اعتصاب کارگران این کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت مزد در روز ۷ دی، کارفرما بلافاصله و از همان روز کارخانه را تعطیل و تاکنون کارخانه و کارگران را به حال خود رها کرده است.

*روز شنبه ۲۰ دی با گذشت ۵ روز از عدم پذیرش غذای کارخانه توسط کارگران ایران خودرو که در اعتراض به پایین بودن مزد آغاز شده، این اعتراض به طور متحدانه ای از سوی کارگران این شرکت بزرگ خودرو سازی ادامه دارد. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، علیرغم سیاست دادن وعده و وعید و تهدید کارگران از سوی مسئولان ایران خودرو که طی ۵ روز گذشته در قسمتهای مختلف این کارخانه ادامه داشته، کارگران حاضر به پایان دادن به اعتراض نشده و همچنان به طور متحدانه و قاطعانه ای بر تحقق خواست خود مبنی بر افزایش فوری مزد اصرار دارند. کارگران ایران خودرو پس از ۸ روز اعتراض متحدانه از روز چهارشنبه ۲۴ دی، به تدریج در قسمتهای مختلف کارخانه اعتراض خود را تمام کردند و نهایتاً اعتراض آنان به طور کامل پایان گرفت.

*روز پنجشنبه ۱۸ دی کارگران کارخانه سرامیکهای صنعتی اردکان به دلیل عدم پرداخت حقوق و حق بهره بری خود اعتصاب کردند. به گزارش اردکان گویا، این اولین اعتصاب کارگران این شرکت نیست.

*تعدادی از کارگران پیمانی سیمان سپاهان در اصفهان ظهر روز دوشنبه ۲۲ دی در اعتراض به اخراج نماینده خود در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض در این تجمع با حمل پلاکاردهایی خواستار بازگشت به کار نماینده اخراجی شان شدند. ماموران واحد انتظامات این کارخانه صبح روز سه شنبه ۲۳ دی از ورود یکی از کارگران حاضر در تجمع اعتراضی دیروز به کارخانه جلوگیری کردند. کارگران می گویند این اقدام کارفرما به قصد ترساندن سایر کارگران حاضر در تجمع دیروز و ممانعت از برگزاری تجمعات اعتراضی دیگر است.

*جمعی از کارگران بازنشسته کارخانه پارس متال در اعتراض به آنچه «بدحسابیهای کارفرما» می خواندند صبح روز دوشنبه ۲۲ دی در محوطه این واحد صنعتی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان که تعداد آنها بیش از ۱۰۰ تن برآورد می شود از مدیران کارخانه می خواهند که به تعهدات مالی خود در قبال بازپرداخت وامی که از طرف بانک مهر اقتصاد بابت معوقات مزدی آنها پرداخت شده است عمل کند.

*در پی اخراج ۱۴ کارگر شرکت ارفع سازان کرمان، جمعی از کارگران این شرکت از صبح روز سه شنبه ۲۳ دی در مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند.

به گزارش خانه خشتی، کلیه نیروهای این شرکت در واقع در خط تولید شرکت مس سرچشمه مشغول به کار هستند در حالی که هیچ گونه مزایایی از سوی این شرکت به آنها پرداخت نمی شود.

*کارگران نورد لوله صفا روز چهارشنبه ۲۴ دی علی‌رغم حضور در کارخانه حاضر به شروع کار نشدند و اعلام کردند تا زمانی که کارفرما بیمه های ما را تسویه نکند کار نخواهیم کرد. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارفرمای نورد لوله صفا پس از واریز یکماه از چهار ماه دستمزد معوقه کارگران متعهد شده بود بدهیهای مربوط به بیمه کارگران را به حساب سازمان تامین اجتماعی واریز کند اما از آنجا که امروز نیز اینکار را نکرد کارگران حاضر به شروع کار نشدند.

*از صبح روز چهارشنبه ۲۴ دی شماری از کارگران شرکتهای اقماری ذوب مس خاتون شهر بابک در اعتراض به بلاتکلیفی استخدام شان مقابل فرمانداری شهرستان دست به تجمع زدند. به گزارش بابک آنلاین، این کارگران که از پروژه های پالایشگاه، اکسیژن، اسید، انبار کنسانتره و کانی مس بودند، علت تجمع خود را آزمون استخدامی اخیر مجتمع مس شهر بابک اعلام کردند.

*صبح روز پنجشنبه ۲۵ دی، جمعی از همسران کارگران معدن زغال سنگ زمستان یورت و تونل ۱۰ در مقابل فرمانداری آزادشهر تجمع کردند و اعتراض خود را نسبت به عقب افتادن حقوق کارگران نشان دادند. به گزارش تیتراز آزاد، عمده اعتراض این بانوان بر این بود که علاوه بر به تعویق افتادن حقوق کارگران، با توجه به این که در ابتدا قرارداد کارگران سفید امضاء بوده، هر بار نیز مبلغی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان از حقوق همسران شان کاسته می شود.

*تعدادی از کارکنان رسمی و شرکتی مخابرات کهگیلویه و بویراحمد روز پنجشنبه ۲۵ دی به دلیل کمبود حقوق و مزایا در مقابل استانداری این استان به نشانه اعتراض تجمع کردند. به گزارش راک نیوز، برخی از تجمع کنندگان اظهار نمودند؛ با وجود بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار ولی تاکنون از حقوق و مزایای مناسبی برخوردار نشده ایم و نسبت به سایر کارکنان ادارات استان نیز کمتر حقوق دریافت می کنیم.

*جمعی از کارگران معدن کوشک بافق با سفر به تهران صبح روز شنبه ۲۷ دی در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود در مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که با لباس کار در این تجمع اعتراضی حضور پیدا کردند به نمایندگی از بیش از ۲۶۰ کارگر این معدن در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزدشان طی ۲ ماه گذشته و همچنین بی توجهی کارفرما نسبت به وعده های داده شده، در مقابل وزارت صنعت و معدن تجمع کرده اند.

*شنبه ۲۷ دی، بیش از یک هزار کارگر کارخانه نورد و لوله صفا در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۶ ماه حق بیمه شان دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، کارگران در روزهای گذشته بودند مسئولان تامین اجتماعی ساوه به آنها گفته اند کارفرما حق بیمه شهریور و آذر ماه امسال را پرداخت کرده است اما هنوز حق بیمه معوقه دیگر ماههای دو سال گذشته را پرداخت نکرده است.

*شنبه ۲۷ دی، کارگران بازنشسته کارخانه پارسیلون خرم آباد برای چندمین بار در مقابل استانداری لرستان تجمع کردند. به گزارش فارس، حدود ۴۰ تن از بازنشستگان کارخانه پارسیلون خرم آباد به منظور اعتراض در پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود مقابل درب اصلی استانداری لرستان تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند.

*کارگران اقماری شرکت ذوب خاتون آباد بار دیگر در روز یکشنبه ۲۸ دی در مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش بابک آنلاین، شماری از کارگران شرکتهای اقماری ذوب خاتون شهر بابک دو باره در مقابل فرمانداری شهرستان تجمع کردند.

*حدود ۳۰ کارگر که تحت قانون بازنشستگی پیش از موعد بازنشسته شده اند، روز یکشنبه ۲۸ دی در مقابل یکی از شعب سازمان تامین اجتماعی در شهرستان سقز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این گروه از کارگران بازنشسته به شیوه محاسبه مستمری شان توسط سازمان تامین اجتماعی اعتراض داشتند.

*روز دوشنبه ۲۹ دی، تعدادی از کارگران اخراجی و شاغل در کارخانه ماشین لنت تهران در سمنان، در اعتراض به پرداخت نشدن حق بیمه و تعویق ۴ ماهه در پرداخت مطالبات حقوقی شان، در مقابل سازمان تامین اجتماعی این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، گروهی از کارگران که هم اکنون در این کارخانه شاغل هستند نسبت به عدم پرداخت ۴ ماهه حقوق شان معترضند، برخی از کارگران که عمدتاً کارگران اخراجی شرکت هستند نسبت به در نظر گرفته نشدن بیمه^۱ مشاغل سخت و زیان آور از سوی تامین اجتماعی معترضند و در مرحله بازنشستگی دچار مشکل شده اند و برخی دیگر از کارگرانی که به تازگی اخراج شده اند با توجه به تعویق دو ماهه در پرداخت حق بیمه نمی توانند تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گیرند.

*کارگران اخراجی فولاد آذربایجان روز دوشنبه ۲۹ دی در مقابل فرمانداری میانه تجمع کرده و به خلف وعده کارفرما مبنی بر بازگشت به کار خود اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، بازگشت به کار کارگران اخراجی فولاد آذربایجان پس از تجمعات اعتراضی این کارگران مقابل درب ورودی کارخانه در روزهای ۶، ۷ و ۸ دی به جواب معاینات طب صنعتی و آزمایشات مربوطه منوط شده است. در همین رابطه، یکی از کارگران اخراجی که درخواست نامش فاش شود گفت «در حالی که جواب آزمایشات کارگران اخراجی فولاد آذربایجان مشکل خاصی ندارد، کارفرما هر روز به یک بهانه بازگشت به کار کارگران را به تعویق می اندازد.»

تحصن و اعتصاب شماری از معلمان ایران در دو روز گذشته

علی رغم برخوردهای تهدید آمیز مدیران مدارس و احضار توسط حراست



اعتصاب، اعتراض و تحصن حق مسلم همه ی مزدبگیران است

حرکت اعتراضی معلمان سراسر کشور

*روز سه شنبه ۲۳ دی، شش هزار معلم با امضای طوماری اعتراضی خطاب به رئیس مجلس رژیم خواهان تامین یک زندگی شرافتمندانه شدند. به گزارش ایلنا معلمان کشور با ارائه طومار ۱۵ متری و حضور در کمیسیون شوراها خواهان رفع مشکلات معیشتی و اجرایی شدن نظام رتبه بندی معلمان شدند. در پایان این طومار نوشته شده که: «معلمان کشور از تمجید و تعریف جایگاه علم و معلم خسته اند و از برخوردهای سیاسی با شکل معیشتی ناراضی اند و از مجلس و دولت انتظار «عمل» دارند.

ما امضا کنندگان طومار موكداً از نمايندگان مجلس و دولتمردان جمهوری اسلامی می‌خواهيم به دور از هرگونه شعار، رفتار تبليغی و سیاسی با عزمی قاطع و راسخ، خواسته برحق جامعه فرهنگيان کشور مبنی بر تامین حقوقی که نیازهای یک زندگی شرافتمندانه را پاسخگو باشد، محقق نمایند.»

روز سه شنبه ۳۰ دی، معلمان سراسر کشور در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشت و منزلت و امنیت خود دست به اعتصاب سراسری زدند. به گزارش تارنمای کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، این اعتصاب در تمامی استانهای کشور و تمامی شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ کشور مورد حمایت همکاران فرهنگی قرار گرفت. گزارش های رسیده حاکی از آن است که در مناطق مختلف شهر تهران و شهرستانهای استان تهران نواحی رباط کریم، شهریار و شهر قدس ملارد، ورامین و پاکدشت، رودهن و بومهن و از استانهای اصفهان، گیلان، شیراز، همدان، لرستان، خراسان، سیستان و بلوچستان، خوزستان (خصوصاً خرمشهر)، کردستان، آذربایجان یزد و کرمان و سمنان این حرکت اعتراضی صورت گرفت.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

اخبار کارورزان سلامت

امید برهانی

یک ماه از تجمع پرستاران برای احقاق حقوق شان گذشت

شهروند، ۷ دی - یک ماه از تجمع گسترده پرستاران در چند شهر کشور می گذرد. آنها در اعتراض به اختلاف پرداخت حقوق شان با پزشکان، در شهرهای شیراز، اصفهان، مشهد، یزد، تبریز و تهران تجمع کردند و صدای خود را به گوش مسوولان رساندند. در تهران اما جمعی از پرستاران معترض، مقابل ساختمان ریاست جمهوری رفتند و از مطالبات شان گفتند.

واکنش وزارت بهداشت به عنوان مخاطب پرستاران اما متفاوت بود، وزیر بهداشت همان موقع، این اعتراضها را گسترده ندانست. به اعتقاد او از ۱۵۰ هزار پرستاری که در بیمارستانها و مراکز درمانی فعالیت می کنند، تنها "گروه کوچکی" اعتراض داشتند که این را هم نمی توان به همه تعمیم داد. حسن هاشمی به دلیل عمده این اعتراضها که مربوط به اختلاف پرداخت میان پرستار و پزشک بود هم اشاره کرد، اما به اعتقاد او مقایسه درآمد این دو گروه "کار عقلانی نیست!" محمد شریفی مقدم، دبیرکل "خانه پرستار" از پشت گوش انداختن خواسته های جامعه پرستاری از سوی وزارت بهداشت گلایه می کند. او تاکید می کند که دیگر از وزارت بهداشت قطع امید کرده اند و از طریق دولت و مجلس به دنبال احقاق حقوق شان هستند.

سخنگوی کمیته پیگیری مطالبات پرستاران تاکید می کند که در شرایط فعلی جامعه پرستاری ملتهب است، مسوولان باید کاری کنند که از این التهاب کاسته شود.

طرح تحول سلامت از چارچوب قانونی خارج شده است

ایلنا، ۸ دی - وزیر اسبق بهداشت درباره اجرای "طرح تحول سلامت" در کشور گفت: "این طرح از چارچوب قانونی خارج شده است."

مسعود پزشکیان با بیان اینکه طرح تحول سلامت، طرح تحول نیست، بلکه هزینه زا است و سیستم را با مشکل مواجه خواهد کرد، افزود: "اولویت این طرح درمان و رسیدگی به شهرهای بزرگ شده است و در شهرهای کوچک اجرای مناسبی نداشته است."

وی تصریح کرد: "بودجه این طرح بیشتر در بیمارستانهای بزرگ که مشکلات کوچک داشته اند هزینه شده، در صورتی که قرار بود این پولها در بیمارستانهای کوچک مناطق محروم که مشکلات بزرگی دارند، هزینه شود."

وزیر بهداشت در دولت اصلاحات افزود: "در قانون و سیاستهای کلی، پیشگیری بر درمان و مناطق محروم بر مناطق برخوردار اولویت دارد. حتی یک درصد ارزش افزوده و ده درصد وجوه حاصل از اجرای قانون هدفمندی به مناطق محروم تعلق دارد، اما این پول جای دیگری هزینه می شود." پزشکیان گفت: "کسی که باید جلوی انحراف این طرح از قانون و بروز این مشکلات را بگیرد، وزیر بهداشت و در مجموع وزارت بهداشت است. ما بارها درباره انحراف اجرای طرح از قانون با وزیر و معاونین اش صحبت کردیم، اگر این انحراف ادامه پیدا کند، باید فکر دیگری کنیم."

انتخابات خانه پرستار برگزار شد / ماجرای پیام های ارسالی در فضای مجازی

خبرگزاری مهر، ۹ دی - انتخابات "خانه پرستار" برای معرفی اعضای جدید شورای مرکزی این تشکل صنفی در تهران برگزار شد

محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار، به تشریح جزئیات این دوره از انتخابات خانه پرستار پرداخت و گفت: "این انتخابات روز گذشته با حضور تعدادی از اعضای خانه پرستار برگزار شد و به رغم اینکه امکان هیچ گونه اطلاع رسانی و تبلیغات برای برگزاری فراهم نبود، اما استقبال اعضا برای حضور در این دوره از انتخابات قابل توجه بود."

وی با اشاره به حضور نماینده وزارت کشور در این انتخابات افزود: "مدت زمان برگزاری انتخابات کمتر از دو ساعت بود که همین مساله باعث شد تا برخی اعضا پشت در بمانند و نتوانند در رای گیری شرکت کنند."

شریفی مقدم از تعیین ۷ عضو شورای مرکزی خانه پرستاری خبر داد و گفت: "در این دوره از انتخابات، شاهد تغییر ۷۰ درصدی اعضای شورای مرکزی بودیم." وی از محمد شریفی مقدم، محمود عمیدی، محمد نظری، حمید چرغی، فاطمه فریدیان، حمید تاج الدینی و آمنه شاملو به عنوان ۷ عضو جدید شورای مرکزی خانه پرستار نام برد که به ترتیب بیشترین رای را کسب کرده اند شریفی مقدم با مقایسه انتخابات خانه پرستار و "سازمان نظام پرستاری" اظهار داشت: "برای برگزاری انتخابات نظام پرستاری در تهران، از سه ماه قبل از آن شاهد تشکیل ستادهای اجرایی و نظارتی هستیم و کاندیداها برای تبلیغات به بیمارستانها می روند. همچنین علاوه بر وجود صندوقهای رای گیری ثابت، تعدادی صندوق سیار نیز تعیین می شود و ساعت رای گیری از ۸ صبح تا ۷ بعد از ظهر است. با این حال، در دوره قبل انتخابات نظام پرستاری در تهران، در حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت کردند. در حالی که انتخابات خانه پرستار در کمتر از یک ساعت و بدون تبلیغات برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی خانه پرستار در اولین جلسه شورای مرکزی خانه پرستار که با حضور همه اعضا روز سه شنبه نهم دی ماه برگزار شد، محمد شریفی مقدم با اکثریت قاطع آرا مجدداً به سمت دبیرکل خانه پرستار انتخاب شد.

* سازمان نظام پرستاری تشکیلاتی حکومتی با ظاهری صنفی ست که از همان ابتدای تاسیس در خدمت وزارت بهداشت قرار گرفته و به هیچ عنوان نماینده ی جامعه ی پرستاری ایران نیست.

دیدار کمیته پیگیری مطالبات پرستاران با مشاور روحانی

خبرگزاری آنا، ۱۷ دی - سخنگوی کمیته پیگیری مطالبات پرستاران با انتقاد از اینکه تاکنون مشکلات و مسایل پرستاران به گوش رییس جمهوری نرسیده گفت: "نخستین دیدار کمیته پرستاری با مشاور عالی روحانی (محمدعلی نجفی) برگزار و مشکلات جامعه پرستاری مطرح شد.

محمد شریفی مقدم افزود: "با توجه به و نقش موثر پرستاران و تعداد جمعیت پرستاری در نظام سلامت، در این جلسه اهمیت و ضرورت پرستاران در نظام سلامت را تشریح کردیم." شریفی مقدم یادآور شد: "مشاور عالی رییس جمهوری مطالبات و خواسته های جامعه پرستاری را یادداشت کرد و قول داد که این مسایل را به دکتر روحانی منعکس و منتقل خواهد کرد، زیرا با توجه به اینکه دکتر نجفی مشاور هستند، نمی توانست از سوی خود به ما قولی بدهد."

شانه خالی کردن از طرح پزشک خانواده

خبرگزاری فارس، ۱۹ دی - مهران قسمتی زاده، رییس "شورای هماهنگی انجمنهای پزشکان عمومی کشور" با انتقاد از مواضع معاونان وزارت بهداشت در برنامه تلویزیونی "نبض" گفت: "با وجود تاکید مجدد شخص وزیر بهداشت بر اجرای برنامه پزشک خانواده، رفتار و گفتار برخی مسوولان وزارت بهداشت نشان می دهد که می خواهند از وظیفه قانونی خود در اجرای این برنامه شانه خالی کنند."

قسمتی زاده با اشاره به تفسیر حریرچی، قائم مقام و معاون کل وزارت بهداشت از سیاستهای نظام در برنامه نبض گفت: "دکتر حریرچی در هنگام تفسیر سیاستهای نظام درباره سلامت گفت که کلمه پزشک خانواده از بحث نظام ارجاع و سطح بندی حذف شده زیرا مقدمات اجرای آن فراهم نیست. معاون کل وزارت بهداشت همچنین ادعا کرد که تا کنون پزشک خانواده فقط در کشورهای مرفه اجرا شده، اما گویی فراموش کرده است که پزشک خانواده علاوه بر استرالیا، کانادا، انگلستان، آلمان، سوئد و کشورهای اسکاندیناوی، در کشورهای همچون هندوستان، برزیل، تایلند، کوبا، اندونزی و سایر کشورهایی که قصد تحول نظام سلامت را داشته اند به عنوان یک برنامه راهبردی برگزیده شده است." وی افزود: "حریرچی اعلام کرده که انجمن پزشکان عمومی در گذشته مخالف اجرای پزشک خانواده در کشور بوده، در حالی که تمام بیانیه های انجمن طی ۱۰ سال گذشته گواهی است بر پشتیبانی اش از اجرای پزشک خانواده. منتها در دوره های گذشته ما با شیوه اجرای آن مخالف بودیم و معتقد بودیم که شیوه های نادرست، شتاب زده، بدون پایلوت کردن و بدون اختصاص بودجه کافی، این طرح مترقی را به شکست خواهد کشاند که همین گونه نیز شد."

بحران کمبود تخت بیمارستانی / تبعات تخت های بدون پرستار

خبرگزاری مهر، ۲۲ دی - معاون درمان وزارت بهداشت گفته است که با کمبود ۶۰ هزار تخت بیمارستانی در کشور مواجه هستیم و این در حالی است که اگر این تعداد تخت هم راه اندازی شود، باید به فکر تامین پرستار برای این تختها بود. محمد حاجی آقاجانی، معاون درمان وزارت بهداشت می گوید که در حال حاضر به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۱،۵ تخت بیمارستانی در بخشهای دولتی و غیر دولتی موجود است. در همین حال داوود دانش جعفری، مشاور عالی وزیر بهداشت نیز از وجود ۸۰ هزار تخت بیمارستانی فرسوده و قدیمی در کشور خبر داده است.

نکته ای که کمبود تختهای بیمارستانی را تبدیل به بحران می کند، تامین پرستار مورد نیاز به ازای هر تخت بیمارستانی است. به طوری که اگر بخواهیم بر اساس استانداردهای بین المللی و جهانی نسبت به تامین پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی اقدام کنیم، می بایست سه پرستار برای دو تخت بیمارستانی داشته باشیم. در حالی که آمارهای سازمان نظام پرستاری حاکی از این است که در حال حاضر کمتر از یک پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی در کشور وجود دارد بر اساس یافته های پژوهشی شورای بین المللی پرستاری، تعداد پرستار به بیمار در بخش عمومی در وضعیت مطلوب، یک پرستار به ۴ بیمار است و افزایش تعداد بیماران به ۶ نفر به احتمال ۱۴ درصد، بیماران را در معرض خطر مرگ طی ۳۰ روز بعد از پذیرش قرار می دهد و افزایش ۸ بیمار در برابر ۴ بیمار با افزایش حدود ۳۱ درصد مرگ و میر همراه خواهد بود.

پرستاران حضور در مراسم رسمی روز پرستار را تحریم می کنند

ایلنا، ۲۷ دی - دبیرکل خانه پرستار می گوید جامعه پرستاری کشور امسال در هیچ یک از برنامه های رسمی روز پرستار شرکت نخواهد کرد

محمد شریفی مقدم عضو شورای عالی نظام پرستاری کشور با اعلام این خبر گفت: "علی رغم گذشت بیش از یک ماه از تجمع گسترده پرستاران در شهرهای بزرگ کشور، هنوز هیچ اقدام مثبتی از سوی دولت صورت نگرفته است و پیگیریهای مکرر و مستمر ما در واحد ارتباطات مردمی ریاست جمهوری نشان داده که هیچگونه پیشرفتی در پیگیری مطالبات جامعه پرستاری صورت نگرفته است."

او ادامه داد: "به نظر می رسد گزارش تجمعات پرستاران از طریق واحد ارتباطات مردمی به سمع ریاست جمهوری نرسیده است."

وی از عدم مشارکت پرستاران در مراسم روز پرستار در اسفند ماه سال جاری خبر داد و گفت: "به دلیل بی توجهی مسوولین تصمیم گیر، کمیته پیگیری که در حال حاضر به صورت کشوری فعالیت می کند، تصمیم گرفت در گام اول در برنامه های متعددی که به مناسبت روز پرستار در ۵ اسفند برگزار می شود شرکت نکند."

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- "برای من فقط کافی است مطمئن باشم که تو و من در این لحظه وجود داریم، همین. (گابریل گارسیا مارکز (۲۰۱۴ - ۱۹۲۷) رمان نویس، نویسنده، روزنامه نگار، ناشر و فعال سیاسی کلمبیایی)
- وقتی همه با من هم عقیده می شوند، تازه احساس می کنم که اشتباه کرده ام! (اسکار وایلد، (۱۹۰۰ - ۱۸۵۴) داستان نویس، شاعر و نمایشنامه نویس ایرلندی)

موسیقی



مجید درخشانی به جرم داشتن زن در گروه موسیقی خود ممنوع الخروج شد

مجید درخشانی، آهنگساز ایرانی و سرپرست "گروه خورشید" هنگام سفر به دبی در فرودگاه متوقف و ممنوع الخروج اعلام شد. ماموران انتظامی پاسپورت او را

ضبط کردند و از او خواستند که برای پیگیری موضوع ممنوع الخروجی خود به اداره گذرنامه مراجعه کند. مجید درخشانی می گوید که احتمالاً دلیل این حرکت "داشتن خواننده زن در "گروه ماه" و انتشار گسترده کلیپهای موسیقی این گروه" بوده است. وی می گوید، پیشتر، ماموران از او بازخواست کرده بودند و احتمال می دهد که پرونده اش به دادسرا فرستاده شود.

اعضای گروه موسیقی او به نام گروه ماه یا "ماه بانو" در دو ماه گذشته بارها از طرف مقامهای امنیتی ایران برای بازجویی احضار شدند. او درباره تلاشهایش برای ترویج آواز خواندن زنان گفته است، پذیرفتن محدودیتهای موجود و مخفی کردن صدای زنان "توهینی به صدای خانمها" است. به گفته آقای درخشانی: "شاید اگر از ۳۰ سال پیش آقایان نمی پذیرفتند که فقط خودشان حضور داشته باشند و این پنجاه درصد دیگر را هم در نظر می گرفتند، شرایط تغییر کرده بود."



من یک نوازنده هستم

نگار خارکن، نوازنده کمانچه، در نامه سرگشاده ای خطاب به همکارانش خواهان واکنش آنان در برابر حذف زنان نوازنده از کنسرتهای موسیقی شده است. این هنرمند سابقه همکاری با حسین علیزاده و محمدرضا شجریان و شهرام ناظری و نیز گروههای موسیقی "هم آوایان"، "شهنار"، "مولوی" و "اشتیاق" را دارد و به همراه آنها در کنسرتهای پر شماری در ایران و خارج کشور برنامه اجرا کرده است.

نگار خارکن در نامه کوتاه خود نوشته:

من یک نوازنده هستم. آقایان و خانمها، کار من نوازندگی است. من ۳۱ سال دارم و ۲۰ سال است که با نوازندگی خودم را پیدا کرده ام.

دوست عزیز من ، همکار من!

چرا وقتی من رو حذف می کنند ، فقط سرت رو تکون می دی؟ دوست نوازنده من، چرا اگر من باید حذف بشم، کلا حذف نمی کنید؟

غیرت یعنی اینکه جلو چشم تان ناحقی کنند، بگذری آرام؟ همینطور آرام، خودت و غیرت محو می شود، اگر همینطور آرام باشی محو می شوی. من و تو با هم محو می شویم. اگر بگذری، از ما می گذرند.

درگیری ماموران انتظامی با حزب اللهیهای معترض به کنسرت گروه لیان در بوشهر



برگزاری کنسرت "گروه لیان" در بوشهر موجب درگیری میان ماموران انتظامی و نیروهای لباس شخصی شد. این برنامه بر خلاف برنامه ریزی های قبلی تنها در یک نوبت اجرا شد.

امام جمعه بوشهر در خطبه های نمازجمعه مخالفت خود را با برگزاری این کنسرت اعلام کرده بود. با شروع سانس اول کنسرت، جمعیتی چند ده نفره با سر دادن شعار، از ورود مردم به محل اجرای کنسرت جلوگیری کردند.

این شرایط سبب لغو نوبت اول کنسرت در ساعت ۱۹ شد، اما با دستور استاندار و ورود جدی تر نیروی انتظامی، این افراد متفرق شدند تا زمینه برگزاری نوبت دوم کنسرت گروه لیان فراهم شود. نیروی انتظامی برای متفرق کردن لباس شخصیها از گاز اشک آور استفاده کردو با کسانی نیز که مقاومت می کردند، با شدت برخورد کرد، اما کسی مجروح و یا بازداشت نشد.

در نهایت نیز با متفرق شدن این گروه، افراد دارای بلیت وارد سالن محل اجرا شدند و محسن شریفیان و گروهش پس از ۱۶ سال، در زادگاه شان برنامه اجرا کردند. اما به دلیل شرایط موجود، همه قطعاتی که توسط گروه لیان تدارک دیده شده بود، در این کنسرت اجرا نشد.

طبق برنامه از پیش اعلام شده، گروه لیان دو شب دیگر نیز در بوشهر برنامه داشت که هر دو اجرا لغو گردید. در همین حال کنسرت سیروان خسروی هم که بنا بود ۱۷ و ۱۸ دی ماه در این شهر برگزار شود، لغو شد.

وزارت ارشاد: شجریان باید رفتارهای گذشته خود را جبران کند

حسین نوش آبادی، سخنگوی وزارت ارشاد جمهوری اسلامی، در مورد برگزاری کنسرت محمدرضا شجریان در ایران گفت که آقای شجریان "باید رفتارهای گذشته خود را جبران کند و به موسیقی ایرانی و اسلامی برگردد". وی از شجریان در دهه اول انقلاب گله ندارد، اما نسبت به رفتار شجریان پس از انتخابات نامیسی سال ۸۸ معترض است.

محمدرضا شجریان از جمله هنرمندانی است که پشتیبانی خود از معترضان به نتیجه آن انتخابات را اعلام کرد. او در یکی از نخستین موضع گیریهای خود در سال ۱۳۸۸ در واکنش به سخنان محمود احمدی نژاد، در نامه ای سرگشاده به رادیو و تلویزیون ایران نوشت: "در شرایطی که مردم در بهت و حیرت هستند و به گفته آقای احمدی نژاد، خس و خاشاک به حرکت در آمده اند، صدای من در صدا و سیما جایی ندارد. صدای من صدای خس و خاشاک است و همیشه هم برای خس و خاشاک خواهد بود."

در پی این موضعگیری روزنامه کیهان او را "وطن فروش" خواند.

محمدرضا شجریان در مصاحبه های خود گفته است که در چند سال اخیر بارها به درخواستهای او برای برگزاری کنسرت در ایران پاسخ منفی داده شده است. آخرین کنسرت او در ایران در سال ۱۳۸۷ بود.

سینما

عقب نشینی وزیر و عذرخواهی معاون

جلوگیری از نمایش سه فیلم "پاداش" (کمال تبریزی)، "خانه پدری" (کیانوش عیاری) و "عصبانی نیستم" (رضا درمیشیان) که مجوز اکران دارند، با انتقادهای شدیدی روبرو شده است. از این رو پس از عقب نشینی وزیر ارشاد، رییس سازمان سینمایی عذرخواهی کرد.

جنتی، وزیر ارشاد، در نشست تودیع و معارفه رییس سازمان سینمایی در شهریور ۱۳۹۲ گفته بود: "نمی شود برای یک فیلم مجوز صادر کنیم و بعد به خاطر مخالفت و سر و صدای یک گروه فشار آن مجوز را باطل کنیم". در فیلم "خانه پدری" که در سال ۱۳۸۹ ساخته شده بود، خشونت علیه زنان در یک خانواده سنتی ایرانی به شکلی صریح و بی پرده به نمایش گذاشته شده است.

پول سازترین هنرپیشه های هالیوود در سال ۲۰۱۴

مجله "فوربس" فهرستی از پولسازترین هنرپیشه های هالیوود در سال ۲۰۱۴ را منتشر کرده است. این هنرپیشه ها به اصطلاح "آهن رباهای هالیوود" به شمار می روند و تهیه کنندگان می توانند به پر فروش بودن فیلمهای آنها امیدوار باشند.



نفرهای دهم تا هشتم: "هیو جکمن" با ۷۴۶ میلیون دلار، "مایکل فسنبر" ۷۴۶ میلیون دلار و "جیمز مک آووی" با ۷۴۷ میلیون دلار از جمله هنرپیشه های پولساز معرفی شده اند. هر سه در فیلم "مردان اکس: روزهای گذشته آینده" نقش داشته اند.



هفتم: "آنجلینا جولی" با ۷۵۸ میلیون دلار در مکان بعدی این فهرست قرار دارد. فیلم "مالیفیسنت" با بازی وی در نقش اصلی، در سال ۲۰۱۴ اکران شد.

ششم: فیلمهای "اما استون" در سال ۲۰۱۴ مجموعاً ۷۶۴ میلیون دلار نصیب وی کرد. "مرد عنبکوتی شگفت انگیز ۲"، "جادو در مهتاب" و "کبوترباز" فیلمهایی هستند که این هنرپیشه هالیوود در آنها ایفای نقش کرده است.

پنجم: "کریس ایوانز" با ۸۰۱ میلیون دلار در رده پنجم فهرست فوربس جای گرفته است. او در فیلم "کاپیتان آمریکا ۲: سرباز زمستان" در نقش "استیو راجرز"، ابرقهرمان این فیلم ایفای نقش کرد.

چهارم: زمانی که "مارک والبرگ" با بازی در چهارمین فیلم از مجموعه "تبدیل شوندگان" موافقت کرد، موجب شگفتی خیلیها شد. این فیلم با نام "تبدیل شوندگان: عصر انقراض" یکی از پرفروش ترینهای سال ۲۰۱۴ بود. مارک والبرگ با ۱ میلیارد دلار فروش در گیشه به عنوان چهارمین هنرپیشه پولساز هالیوود در این سال لقب گرفته است.

سوم: "اسکارلت جوهانسون" با ۱ میلیارد و ۱۸ میلیون دلار فروش در گیشه به عنوان سومین هنرپیشه پولساز هالیوود توسط فوربس معرفی شده است.

دوم: فیلمهایی که با بازی "کریس پرت" در سال ۲۰۱۴ به نمایش درآمدند، در مجموع ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار فروش داشتند. فیلم "نگهبانان کهکشان" یکی از شگفتی آفرینهای سینما در این سال بود.

اول: "جنیفر لارنس" با مجموع ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار در صدر فهرست قرار دارد. دو فیلم پرفروش این هنرپیشه جوان و با استعداد هالیوود در سال ۲۰۱۴ "عطش مبارزه: زاغ مقلد، بخش ۱" و "مردان اکس: روزهای گذشته آینده" بودند. نوامبر سال ۲۰۱۵ بخش دوم فیلم عطش مبارزه با بازی وی در سینماها به نمایش در خواهد آمد. با توجه به استقبال از فیلمهای قبلی این مجموعه، از هم اکنون می توان از فروش چشمگیر این فیلم هم مطمئن بود.

فیلمی با روایت ریدلی اسکات از زندگی پیامبر یهود

پس از ساخته "نوح" توسط "دارن آرونوفسکی"، اکنون "ریدلی اسکات"، کارگردان فن سالار و حماسه ساز هالیوود به سراغ داستان دیگری از قصه پیامبران در تورات رفته و فیلم "مهاجرت: خدایان و پادشاهان" را بر اساس مهاجرت عهد عتیق ساخته که جنجال آفرین شده و افزون بر بحثهای بسیاری که در مورد وفاداری یا عدم وفاداری آن به تورات و صحت و سقم روایت مذهبی آن در گرفته، نمایش آن به دلیل به تصویر کشیدن چهره پیامبر قوم یهود، در مصر و مراکش ممنوع اعلام شده است. پیشتر، فیلم تاریخی "نوح" با بازی "راسل کرو" نیز با همین دلایل در مصر توقیف شده بود.

فیلم "مهاجرت: خدایان و شاهان" از محصولات شرکت "فاکس قرن بیستم" است که با بودجه ۱۴۰ میلیون دلار و بیش از ۶ هزار سیاهی لشکر ساخته شده و تا کنون ۱۰۷ میلیون دلار فروش داشته است.

"کریستین بیل"، بازیگر ایفای نقش موسی است. بازیگران سرشناس دیگری مثل "جان تورتورو"، "بن کینگزلی"، "آرون پل" و "سیگورنی ویور" نیز در این فیلم حضور دارند. گلشیفته فراهانی هم که قبلاً در فیلم "یک مشت دروغ" با ریدلی اسکات همکاری کرده بود، در این فیلم در نقش همسر "رامسس دوم" ظاهر شده است.

"مهاجرت: خدایان و شاهان" در منطقه آلمریای اسپانیا و منطقه "فوئرته ونتورا" در جزایر قناری فیلمبرداری و کارهای استودیویی آن در استودیو "پاین وود" لندن انجام شده است. ریدلی اسکات، این فیلم را به برادر خود "تونی اسکات" که در سال ۲۰۱۲ خودکشی کرد، تقدیم کرده است.

رقص

تصاویر منتشر نشده از رقصندگان ایران پیش از انقلاب

تصاویری منتشر نشده از رقصندگان ایران پیش از قیام، اسنادی تاریخی از برنامه های سازمان ملی رقص فولکلور ایران پیش از انقلاب است که برای اولین بار توسط "دویچه وله" منتشر می شود. قرار است این مجموعه گرانبها در کتابی با موضوع رقص در ایران و در آلمان منتشر شود.

پیش از قیام، "سازمان ملی رقص فولکلور ایران" به عنوان برترین گروه فولکلور خاورمیانه مطرح بود. با وقوع آن، بسیاری از فیلمها و تصاویر اجراهای مختلف این سازمان در آتش سوخت یا به نحو دیگری نابود شد. به تازگی غلامرضا سخایی، رقصنده سولیست سازمان ملی رقص فولکلور ایران، تصاویری گرانبها از اجراهای سازمان ملی رقص فولکلور ایران را در اختیار انتشارات آلمانی "رایشلت" و دانشگاه فرانکفورت قرار داده است.

رقصنده مشهور ایرانی پس از ۴۰ سال در فرانکفورت به صحنه رفت



غلامرضا سخایی، رقصنده سولیست "سازمان ملی رقص فولکلور ایران"، پس از ۴۰ سال دوری از اجرای کار هنری به همراه "گروه کرشمه" در فرانکفورت به صحنه بازگشت. گروه کرشمه سالهاست در آلمان رقصهای کلاسیک و نواحی مختلف ایران را به روی صحنه برده و به معرفی فرهنگ و آداب رسوم ایران می پردازد.

آقای سخایی نقش شاه عباس را در یکی از اجراهای طراحی شده توسط گروه کرشمه اجرا کرد. ایرانیان و البته آلمانیها استقبال خوبی از اجرای رقص مشترک غلامرضا سخایی با گروه رقص کرشمه کردند و با اتمام ظرفیت سالن اجرا، بسیاری از تماشاگران ایستاده برنامه را دنبال کردند.

نقاشی

آگاهی و جنگ: هنرمندان بریتانیایی و جنگ داخلی اسپانیا

گالری "پالانت هاوس" در "چیچستر" در جنوب انگلستان این روزها میزبان نمایشگاه آثار هنرمندان بریتانیایی در سالهای پایانی دهه ۱۹۳۰ میلادی و واکنش آنها به جنگ داخلی اسپانیا و بحران سیاسی اروپا در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم است. "سایمون مارتین" برگزار کننده این نمایشگاه با عنوان "آگاهی و جنگ: هنرمندان بریتانیایی و جنگ داخلی اسپانیا" است.



اکثر هنرمندان از جمهوری دوم اسپانیا که در سال ۱۹۳۲ با رای اکثریت مردم به قدرت رسید، حمایت می کردند. این جمهوری در پی سه سال جنگ داخلی که با اقدام کودتا مانند ژنرال "فرانسیسکو فرانکو" در سال ۱۹۳۶ آغاز شد، در سال ۱۹۳۹ سرنگون شد. اکنون سالهاست که اکثر این هنرمندان درگذشته اند.

اگر چه ما از دیدگاه و واکنش نویسندگان آن دوره

بریتانیا مثل "جورج اورول" در مورد جنگ داخلی اسپانیا به خوبی اطلاع داریم، ولی در مورد آثار نقاشان و مجسمه سازان بریتانیایی در این خصوص کار چندانی انجام نشده است.

خانم "اورسالا مک کانل" که در سن سیزده سالگی و در بحبوحه جنگ داخلی به اسپانیا سفر کرده بود، پس از بازگشت به بریتانیا تابلوهایی را با موضوع مردم اسپانیا در دهه سی میلادی کشیده است. او اکنون ۹۱ ساله است و هنوز هم به نقاشی مشغول است. نقاشیهای او در باره رنج و مشقت مردم در این دوران است. عنوان یکی از تابلوهای خانم مک کانل که در این نمایشگاه به معرض دید گذاشته شده، "خانواده گدایان" نام دارد.

سایمون مارتین برگزار کننده این نمایشگاه می گوید، یکی از جالب ترین تابلوهای آن یک نقاشی با عنوان "تظاهرات در برتری" اثر "کلایو برانسون" است. این تابلو به روشنی رنج و درد آن روز مردم را به نمایش می گذارد.

تاتر

بیضایی "گزارش ارداویراف" را به روی صحنه می برد

بهرام بیضایی، کارگران، نمایشنامه نویس و فیلمساز ایرانی پس از نزدیک به ۷ سال دوری از تاتر ایران، قرار است نمایشی را بر اساس متون باستانی ایران روی صحنه ببرد.

"اردویراف" یکی دیگر از اسطوره های ایرانی است که بیضایی پس از "آرش"، "آژی دهاک"، "کارنامه بندار بیدخش" و "شب هزار و یکم" به سراغ آن رفته است. قرار است افشین هاشمی، مژده شمسایی و صادق هاتفی از جمله بازیگران نمایش باشند. بیضایی در سالهای اخیر به تدریس در دانشگاه "استنفورد" مشغول بود و در آنجا نیز نمایش "جانا و بلا دور" را به سبک سایه بازی روی صحنه برد.

شعر

به میعادگاه چه کس

وبه نیایش چه چیز

این گونه سر به خاک نهاده ای

تو که دستانت را به قنوت شب

و چشمانت را به رسالت ترس

و تنت را به تاراج باد داده ای

به ستایش کدام آغوش

حجم حقارت را به تن زده ای
 تو به مانند ستاره ی در مرگ
 کم سو
 بی فروغ
 در سینه ی شب فرور می روی
 بی آنکه بدانی
 به عادت کدام سال
 زمان به یقین سکون
 از تپش باز ایستاده است
 که من در این نابه هنگامه ی تولدم
 حسادت پرواز را
 اخته می روم

مهرداد محمدی نیا

تمام دخترانت عایشه شدند
 تمام پسرانت پیغمبر
 چقدر فروخته شوم در بازارهای برده فروشی؟
 یک روز کار سیاه و ناخنهای کثیف و رنگ سفید
 روز بعد کراوات و دوربین
 پارلمان اروپا
 تو سرزمینی هستی که دارد پایین می رود از سطح دریا
 و دریا روزی آنقدر بالا خواهد آمد
 که من جرئت کنم برگردم
 پارو بکشم بیایم خانه پدری
 خواهرم نتواند بدود
 پدر با موهای سپید
 خزه ها را جابجا بکند
 بگوید ببین پسرم :
 چقدر خانه زیبا شده است !؟
 برادرم با چشمهای باز روی آب خوابیده باشد
 و مرغهای دریایی او را نوک بزنند
 مادر با دهان ماهیها
 سر از آب بیرون کند
 بگوید پسرم خوش آمدی
 برای شام
 ماهی آزاد سرخ کرده ام

مهرداد عارفانی

”سرودها، ستاره ها“ (۱)

بیاد: زهرا کاظمی

م . وحیدی

شب بود. ماه میان ابرهای خاکستری و تیره گم شده بود. برف می بارید. سرد بود. همه چیز یخ زده بود. برفدانه ها، در غبار و باد، چند ضلعی و ستاره ای شکل، رقص کنان پایین می آمدند. افق پیدا نبود. دار و درختان و باغچه های بزرگ پر چمن، در زیر بارش برف مدفون شده و شب و سرما و غبار و مه، درهم آمیخته بودند. بادی تند می وزید و شاخه های بلند درختان چنار و افراها را به شیشه های ساختمانها می کوبید و دیوانه وار، شیون می کشید. هراز چندی، طنین نعره



جغدی گرسنه و وحشت زده، که سراسیمه به دنبال طعمه ای از این سو به آن سو می کشید، بر هراس و اضطراب شب می افزود .

در داخل راهروی یکی از ساختمانها، کسی را روی زمین می کشیدند و دشنام می دادند. صدای نفس نفس زندهای پی در پی می آمد. ناگهان در اتاقی باز شد و دو پاسدار درشت اندام، که یکی شان پیراهن شخصی پوشیده و سر و وضع بهم ریخته تری داشت زنی میانسال را کشان کشان آوردند تو و جلو میز قاضی شرع ، رو صندلی نشانند و خودشان نیز، این طرف و آن طرف زندانی نشستند.

اتاق گرم و مطبوع و سکرآور و روشنایی آن به اندازه بود. پرده های پنجره ها کشیده شده و صاف و بدون چروک و

ساعت دیواری آونگ دار، نزدیک نیمه شب را نشان می داد. قاضی با عبا و عمامه مشکی و چهره ای عبوس و درهم، روی صندلی چرخدارش لمیده و کاغذی را در دست مطالعه می کرد. صدای تیک تاک ساعت، بر سکوت اتاق غلبه می کرد.

قاضی حدود شصت ساله می نمود و جای مهر نماز، بر پیشانی اش حک شده بود. روی میزش یک جلد کتاب قرآن، تعدادی پوشه و پرونده، چند کتاب قطور مذهبی، ظرفی از قلم و خودنویس و جوهر، یک زیر سیگاری بلور که تا نیمه آن فیلتر سیگار پر شده بود و کنار دستش پرچم برافراشته ایران، با میله و پایه برنجی و قاب عکس کوچکی از تصویر اخموی خمینی، تو چشم می خورد.

روی پیراهن شهری پاسداری که نشسته بود، چند قطره خون خشکیده بود. پاسدار دیگر چشمبند زن را که از روی چادر بسته شده بود زباز کرد و چپاند کف دستهای بی حس او. لحظه ای چشمان زندانی در برابر نور واکنش نشان دادند اما چند ثانیه بعد با محیط منطبق و آرام گرفتند. چهره زن بی حالت و پلکهایش نیمه بسته بودند. او قادر نبود چادری که بزور سرش کرده بودند را جمع و جور کند و بخشهایی از پیراهن اش که پاره شده بود پیدا بود. روی سر و صورت و دستهای زن جای سالمی دیده نمی شد و تقریباً همه جای بدن اش زخمی و ورم کرده و کبود بودند. پانسمان بینی و بالای ابروان او خونی و پشت دستها و روی گونه راست اش با آتش سیگار سوزانده شده بود. ناخن انگشت دست چپ اش کشیده شده و گوشت و پوست آن به شکل چندش آوری چروکیده و آویزان بود.

قاضی روی صندلی اش تکانی خورد، نفس بلندی کشید و کاغذی را که دست اش بود همراه با عینک خود روی میز گذاشت. ساعت دیواری دوازده بار نواخت و ساکت شد. بیرون هوا همچنان نا آرام بود و گاه سر و صدای باد از داخل شنیده می شد و حواس را متوجه خود می کرد. آخوند با چشمان دریده و نافذش به صورت و اندام زن خیره شد و بعد زیر لب با خود غرید و کلمات نامفهومی ادا کرد، اما او تلاش می کرد تا خود را خونسرد و آرام نشان دهد. تک سرفه ای کرد و در همان حال عمامه اش را از روی پیشانی اش کمی عقب داد. سیگاری از جیب لباده اش در آورد و ناشیانه آن را،

با فندق طلایی اش روشن کرد و به لب گرفت. سپس به پشتی صندلی اش تکیه داد و با پکی عمیق دوباره به چهره زن زل زد. زندانی تعادل نداشت و بی اختیار به این ور و آن ور خم می شد و یک بار نزدیک بود از روی صندلی سقوط کند کسه پاسدارها بلافاصله از پهلوها فشارش دادند و او را سر جای اش نشانند. قاضی پک دیگری به سیگارش زد و دود آنرا با لذت بیرون فرستاد و(ادامه دارد)

در سوگ مبارزی فرهیخته، هوشنگ عیسی بیگلو

در آخرین روز سال ۲۰۱۴ میلادی خبر باور نکردنی درگذشت هوشنگ به سرعت پخش شد و دوستان و یاران او را در بهت و ناباوری همراه با آه و اندوه فرو برد. هوشنگ عیسی بیگلو مردی مبارز و انسانی فرهیخته بود که با شوری آتشین



برای آزادی آسانها تلاش می کرد. آتش درون او را هیچ باد و بورانی نتوانست خاموش کند و فردا (یکشنبه) قرار است پیکر او به آتش و خاطره او به یاد و حافظه مردم ایران سپرده شود.

از طرف خودم و از طرف رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، فقدان این انسان دوست داشتنی را به همسر و فرزندان اش انو، مانوشک و بابک و به همه آزادیخواهان تسلیت می گویم.

مهدی سامع

شنبه ۱۳ دی ۱۳۹۳ - ۳ ژانویه ۲۰۱۵

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

حمله ی تروریستی به دفتر مجله ی "شارلی ابدو" محکوم است!

نویسندگان، روزنامه نگاران و مردم فرانسه

خبر حمله ی وحشیانه ی مرتجعان تروریست به دفتر مجله ی طنز "شارلی ابدو" و جان باختن دوازده تن از روزنامه نگاران، کاریکاتوریستها و دیگر افراد بی گناه، موجی از خشم و اندوه میان شاعران، نویسندگان و روزنامه نگاران ایران برانگیخته است. نویسندگان و مردم ایران در راه آزادی بیان بسیار قربانی داده اند و به خوبی رنج و خشم شما را درک می کنند.

طراحان و عاملان این جنایت هولناک، دشمنان آزادی اندیشه و بیان و پیروان جهل و خرافه اند که هدفی جز استیلای عقب ماندگی بر جهان ندارند. رهایی از این بداندیشان جز با برافراشتن پرچم آزادی بیان بی هیچ حصر و استثنا در سراسر جهان، راه دیگری ندارد.

کانون نویسندگان ایران ضمن ابراز همدردی با شما همکاران گرامی، خانواده های قربانیان و مردم فرانسه، این اقدام جنایتکارانه و ضد آزادی را به شدت محکوم می کند و اطمینان دارد که چنین اعمال ددمنشانه ای، کوچک ترین خلی در عزم و اراده ی شما برای دفاع از آزادی اندیشه و بیان و ضدیت با بیگانه ستیزی و نژاد پرستی وارد نمی کند.

کانون نویسندگان ایران

۱۸ دی ۱۳۹۳

مجاهد خلق مهین افضلی بیست و سومین شهید محاصره ضدانسانی پزشکی در لیبرتی



به گزارش دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در ساعت ۶ و نیم بامداد روز سه شنبه ۲۳ دی ۱۳۹۳ (۱۳ ژانویه ۲۰۱۵) مجاهد خلق مهین افضلی دچار حمله قلبی شد و متعاقباً در کلینیک عراقی در اثر ایست قلبی جان باخت.

مجاهد خلق مهین افضلی متولد ۱۳۲۹ در تهران و بیست و سومین شهید محاصره ضد انسانی پزشکی در لیبرتی است که از مدت‌ها پیش از بیماری قلبی رنج می‌برد.

مجاهد خلق مهین افضلی دارای سابقه و پاسپورت پناهندگی سیاسی در فرانسه بود اما دولت فرانسه از پذیرش پناهندگانی اش امتناع کرد. به همین خاطر نام او برای معالجه و انتقال به فنلاند در لیست ۷ ژانویه ۲۰۱۴ ثبت شد.

نام مجاهد خلق مهین افضلی در لیست‌های ارائه شده به کمیساریا عالی پناهندگان (دسامبر ۲۰۱۴ و ژانویه ۲۰۱۵) به چشم می‌خورد اما هیچیک از این مراجعات مؤثر واقع نشد و به جان باختن او منجر گردید.

از سال ۲۰۰۹ به بعد و پس از این که آمریکا حفاظت اشرف را به نیروهای عراقی تحویل داد، ۲۳ تن از مجاهدان اشرف و لیبرتی، در اثر محاصره پزشکی جان باختند. شمار دیگری از بیماران نیز که از بیماری‌های صعب‌العلاج رنج می‌برند به خاطر همین محاصره جنایتکارانه در وضعیت خطرناکی به سر می‌برند.

فقدان مجاهد خلق مهین افضلی را به رزمندگان مجاهد خلق، به خانواده وی و به آزادیخواهان ایران تسلیت می‌گوییم.

شهدای فدایی در بهمن ماه

پوران یدالهی، بهروز عبدی، ابراهیم پور رضا خلیق، یوسف زرکار، فتح علی پناهیان، جعفر پناهی، خسرو گل‌سرخ، کرامت دانشیان، سعید پایان، فاطمه افدرنیا، مجید پیرزاده جهرمی، جعفر محتشمی، مسعود پرورش، مصطفی دقیق همدانی، کاووس رهگذر، حمید مومنی، محمدعلی خسروی اردبیلی، حمیدرضا هزارخانی، انوشه فظیلت کلام، کیومرث سنجری، حسن جان فرجودی، حسین چوخاچی برادران، محمد کاسه چی، محسن نوربخش، فردوس آقا ابراهیمیان، جعفر پشامی، قاسم سیادت، بابک سیلانی، خسرو پناهی، مهدی اقتدارمنش، محمدجواد عرفانیان، اکبر پارسی کیا، میرمحمد درخشنده (توماج)، عبدالکریم مختوم، واحدی، حسین جرجانی، محمد طاهر رحیمی، محسن بطحایی، جهانگیر قلعه میانداوب (جهان)، فرشاد مرعشی، محسن نیک مرام، محمدامین نورائی، عباس تبریزی، مسعود رحمتی، حسن محمدپور، علی نورورزی، بهنام قاسم زاده رضوی، جعفر (حر) رضایی، ابراهیم کردی، مراد میرزایی، اسد یزدانی، اسماعیل برزگر، فریدون بانه‌ای، فاطمه محمدی، حسن توسلی و... در مبارزه قهرمانانه علیه رژیم‌های شاه و خمینی برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تاکنون به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

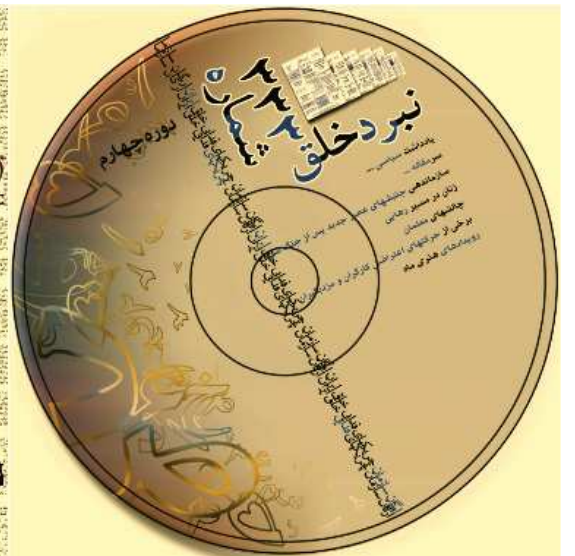
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 355 21 January 2015

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 20 /91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org